

فیلمنامه عمار

هفتاد و نهمین جشنواره مردمی فیلم عمار
نشریه روزانه هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار
شماره سوم - یازدهم دی ماه ۱۳۹۵ - تهران



عدم حمایت مسئولان خاری در پای مستندسازان جبهه مقاومت

باید به مسائل اجتماعی هم بپردازیم

عمار جشنواره‌ای فراتر از فرم و محتوا

بداعت سوژه، روایت درد

گزارش تصویری روز دوم



فیلم
چشم‌پوشان

۲

عکس



روح اله رشیدی:

یک مستند شایسته درباره قیام ۲۹ بهمن تبریز نداریم!

روح اله رشیدی کارشناس مسائل آذربایجان در دومین نشست «کارگاه هنر و واقعیت» با عنوان سوزهای سینمایی آذربایجان، گفت: کار ویژه جشنواره مردمی فیلم عمار چرخاندن دوربین به سمت ایران بوده است؛ در حقیقت این جشنواره بر این اساس شکل گرفته است.

عدم توجه سینما به تنوع اقوام

در کشور ما ایران انبوهی از سوزهای دست نخورده وجود دارد که جامعه هنری و سینمایی باید به آنها توجه کرده و خود را غنی کنند. در این نشست به دنبال ارائه مدلی برای سوزهای یابی در جهت فیلم سازی هستیم که نه فقط مختص استان آذربایجان باشد بلکه از آن بتوان برای سایر مناطق کشور نیز استفاده کرد. تنوع قومی ایران فرصت مناسبی برای کارهای سینمایی است چراکه تنوع اقوامی که کشور ما از آن برخوردار هستند فرصت مناسب و منحصر به فردی برای انجام کارهای سینمایی است؛ البته متأسفانه اگر از این جهت به کارنامه سینما نگاه کنیم متوجه می شویم که وضعیت مناسبی نداشته و یک سیر نزولی تا به امروز داشته است.

تا امروز در حوزه سینما نه تنها با عدم توجه به تنوع اقوام روبرو بودیم بلکه می بینیم به حوزه جغرافیا نیز توجه چندانی صورت نگرفته است که این امر موجب ریزش مخاطبان سینما شده است؛ البته این موضوع فقط برای آذربایجان نیست و برای سایر مناطق ایران هم صادق است.

آذربایجانی‌ها وحدت گرا یا تجزیه طلب

بخش عمده سخنان رشیدی به این مسئله پرداخته شد که نسبت دادن تجزیه طلبی به مردم آذربایجان آزاردهنده است

او گفت: نسبت دادن تجزیه طلبی و قومیت گرایی دو موضوعی است که موجب آزردن شدن مردم آذربایجان شده است؛ بر این اساس رفتن به سمت این موضوع که این دو موضوع تا چه میزان در این استان وجود دارد و حقیقت ماجرا چیست می تواند سوزهای فیلم سازان برای ساخت فیلم باشد.

انتشار کلیپ بعد از بازی تیم فوتبال تراکتورسازی و سر دادن شعارهای تجزیه طلبانه که به طرفداران یک تیم فوتبال نسبت داده شده بود هم مساله ای بود که او از آن سخن گفت: به طور مثال در مورد واقعی بودن اتهام تجزیه طلبی آذربایجان باید به یک نمونه ای اشاره کنم؛ بعد از یکی از بازی های لیگ برتر فوتبال کلیپی در فضای مجازی پخش شد در مورد اینکه تعدادی از تماشاگران آن تیم در ورزشگاه آزادی شعار خلیج عربی سر می دادند. متأسفانه مردم بدون اینکه بررسی های خوبی در این زمینه انجام بدهند قضاوت هایی را در مورد مردم آذربایجان انجام دادند.

اگر به گذشته دور مراجعه کنیم ریشه های تجزیه طلبی و قومیت گرایی در استان آذربایجان را در طمع ورزی های بیگانگان می بینیم؛ در این زمینه شوروی تلاش های فراوانی برای جدایی آذربایجان انجام داده بود. در حقیقت در سال های گذشته کشور شوروی بارها تلاش کرد تا آذربایجان را از خاک ایران جدا کند و در این راه حتی اقدام به اشغال این استان کرد اما مردم آذربایجان در این راه مقاومت های فراوانی انجام دادند اما در این مورد تا امروز فیلمی ساخته نشده است.

نکته پایانی رشیدی نیز این نکته بود: از جمله حسرت های ما در حوزه انقلاب اسلامی قیام ۲۹ بهمن ماه تبریز است که در اعتراض به کشتار قم در قبل از انقلاب رقم خورده بود؛ متأسفانه ما تا امروز به غیر از برگزاری یک همایش سالیانه در این زمینه کار دیگری انجام نداده ایم و یک مستند شایسته تولید نکرده ایم.



حجت الاسلام اموری:

نوانسته ایم ازدواج و زندگی انقلابی را به تصویر بکشیم!

حجت الاسلام اموری، محقق و پژوهشگر، در «کارگاه هنر و واقعیت» با موضوع «زنان انقلابی»، با بیان این که انقلاب اسلامی تحولات عظیمی در زمینه های فرهنگ، اجتماع و سیاست ایجاد کرده است، اظهار داشت: بزرگترین تحولی که اساس همه تغییرات بود و انقلاب اسلامی نیز خود مدیون همان تحول است، تحول در حوزه زنان بود.

وی با بیان این که زنان انقلابی در رسیدن جمهوری اسلامی به آرمان هایش و امتداد این مسیر می توانند بیشترین نقش را داشته اند، گفت: روایت انقلاب کاملاً روایتی زنانه است و این روایت بر پرده سینما به تصویر در آمده است. حجت الاسلام اموری، با بیان این که روایت انقلاب باید از نگاه زنان و در پیچه اثرگذاری آن ها روایت شود، اظهار داشت: فعالیت آقایان تحت تأثیر بانوان روایت شد و نخستین راهپیمایی عمومی در دی ماه ۵۶ در مشهد توسط بانوانی صورت گرفت که ماه ها پای منبر رهبری می نشستند.

وی در ادامه تصریح کرد: مادر آقای رحیم پور ازغدی که از افراد اصلی حلقه مرکزی آن راهپیمایی بود می گفت روزها بود که به دنبال برگزاری یک راهپیمایی منسجم در شهر، علیه رژیم شاه بودیم و زمانی که به آقایان می گفتیم آن ها جرأت ورود به این مسئله را نداشتند تا این که ما به همراه بانوان پیشقدم در این جریان شدیم.

حجت الاسلام اموری، با اشاره به سخنان رهبر معظم انقلاب در رابطه با اهمیت حضور بانوان از اوایل انقلاب و نقش زینب گونه آن ها در طول هشت سال جنگ تحمیلی اظهار داشت: حضرت آقا در سخنانشان به بهترین شکل نگاهی زیبا به حضور زنان در جبهه ها داشته است.

وی با بیان این که متولیان فرهنگی کشور به مقوله فرهنگ و هنر بسیار مردانه نگریده اند، اظهار داشت: زمانی که سخن از جنگ فرهنگی به میان می آید یعنی از فرماندهی بانوان سخن گفته ایم و در جنگ احساس و اراده فقط زنان اند که می توانند فرماندهی کنند.

حجت الاسلام اموری، با بیان این که «چرا سینما نتوانسته زنان را با تعریف انقلاب انقلابی به جامعه نشان دهد؟» اظهار داشت: متأسفانه در تعریف حضور زنان در سینما دچار ضعف هستیم و نتوانسته ایم نشانه ای از ازدواج های انقلابی و زندگی انقلابی را به تصویر بکشیم.

وی با اشاره به ۷ هزار زن شهید تاریخ انقلاب اسلامی ایران، تصریح کرد: فعالیت زنان در فضای انقلابی همواره نوک پیکان درگیری جمهوری اسلامی با غرب و اصلی ترین مسیر درگیری ما جهت رسیدن به گفتمان انقلاب بوده است.

این محقق و پژوهشگر تاریخ شفاهی، مسیر موجود در راه ارشاد جامعه را مسیری غلط برشمرد و افزود: راه نجات جامعه از تهاجم فرهنگی دشمن، ارائه الگوهای زینبی با زبان هنر است و حال نگاهی بیندازیم که ما چقدر با زبان هنر توانسته ایم زن انقلابی را در قواره انقلاب به مخاطب معرفی کنیم.

وی با بیان این که زن در رفتار اجتماعی باید با موضع گناه به صورت فعال برخورد کند، گفت: این تعریف که زن انقلابی تنها در کنج خانه می نشیند اشتباه است، بلکه زن انقلابی زنی است که در میانه میدان حضور دارد.

حجت الاسلام اموری با اشاره به حضور زنان فداکار در کنار مردانشان در جبهه های جنگ تحمیلی اظهار داشت: در تاریخ انقلاب زنانی بودند که با یک دست می جنگیدند و با دست دیگر به زنان کمک می کردند.



کلایه ناصر نادری

عدم حمایت مسئولان، خاری در پای مستندسازان جبهه مقاومت

■ مشکل اصلی مستندسازان مقاومت

مشکل اصلی مستندسازان و جریان های هنری کشور که در مسیر تقویت جبهه مقاومت گام برمی دارند عدم حمایت مسئولان است، چه این که متأسفانه مسئولان امر اعتقادی به فعالیت های رسانه ای در این رابطه ندارند و این عدم حمایت ها ورود مستندسازان به جبهه مقاومت را دشواری و سختی همراه کرده است.

البته در مستند «آقای سفیر» به سبب حضور ما در لبنان، مسئولان نهایت همکاری را با ما داشتند، تنها مشکلی که در طول ساخت مستند «آقای سفیر» وجود داشت، عدم حمایت های مالی بود؛ چرا که این مستند را با بودجه شخصی ساختیم.

■ مستندی درباره شهید رحیمی

شهید رحیمی بیست سال پیش در پاکستان توسط تکفیری ها ترور شده و به عنوان الگوی فرهنگی شناخته می شود.

■ جشنواره عمار

جشنواره عمار را می توان جشنواره انقلاب اسلامی دانست و از دریچه آن نقدهای درون گفتمانی را وارد کرد و از آن جایی که این جشنواره از نظر محتوایی و خط مشی ها تکلیفش را با خودش و دیگران مشخص کرده آینده ای درخشان در سطح ملی و بین المللی به همراه خود خواهد داشت.

ظرفیت رشد و توسعه عمار در سطح بین الملل زیاد است و پتانسیل شناخته شدن جشنواره عمار در سطح بین الملل بسیار بالاست و اگر

و حضور ما در ۲ سال اخیر در این کشور باعث شد که به دنبال ساخت مستندی سریالی در رابطه با پشت پرده های جنگ باشیم که قسمت نخست آن در سوریه با نام نبرد پنهان تولید شد.

■ نبرد پنهان ۲

مراحل تصویربرداری نبرد پنهان ۲ انجام گرفته و اکنون در مرحله تدوین آن قرار داریم، امیدواریم به یاری خدا بتوانیم تا پایان سال شاهد رونمایی از این مستند باشیم.

آقای شمشادی به عنوان راوی اثر در مستند نبرد پنهان حضور دارند و تصویربرداری این مستند حدود یک ماه طول کشید و این مستند تنها یک قسمت از سه قسمتی است که دنبال ساخت آن هستیم.

■ آقای سفیر

مستند «آقای سفیر» در رابطه با شهید رکن آبادی از شهدای فاجعه منا است؛ ما از سال ۸۹ با آقای رکن آبادی آشنا شدیم و آن زمان که فاجعه منا پیش آمد، ما تصمیم گرفتیم که درخصوص ایشان مستندی بسازیم و به دست های پشت پرده در خصوص ترور ایشان اشاره کنیم.

در مسیر ساخت مستند «آقای سفیر» سفرهایی به لبنان و سوریه داشتیم و نهایتاً این مستند همزمان با ایامی که پیکر شهید رکن آبادی در عربستان بود، از تلویزیون پخش شد و سعی کردیم انتقادات منطقی و اصولی را به سیاست های عربستان وارد کنیم و نقش عربستان در شهادت ایشان را نشان دهیم.

ناصر نادری، مستندساز ۲۶ ساله سینمای ایران از دوران دبیرستان وارد عرصه فیلمسازی شد و فعالیت حرفه ای خود را از سال ۸۸ آغاز کرد و با سفر به لبنان در سال ۸۹ وارد فضای مستندسازی در خارج از ایران شد.

او دارای لیسانس علوم سیاسی و سابقه هایی از جمله مدیریت سابق انجمن سینمای جوان شهر ری و معاونت آموزشی موسسه شهید آوینی را در کارنامه دارد.

این مستندساز جوان امسال با ۲ اثر نبرد پنهان و آقای سفیر در مقام کارگردان و ۲ اثر در حصار و تک تیراندازان زینب. در مقام تهیه کننده به هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار آمده است.

او همچنین در دوره های گذشته جشنواره های عمار، مقاومت و مدافعان حرم با «کارگردانی مستند ردپای فرشته، تهیه کنندگی مستند معلم، و فاتحان فردا» توانست جوایز مختلفی را کسب کند.

ناصر نادری با اشاره به مستند «نبرد پنهان»، گفت: موضوع این مستند روایتی از یک خبرنگار ایرانی است، که حدود ۵ سال در جبهه های سوریه به تهیه گزارش پرداخته و به دنبال پاسخ به این پرسش است که «آیا در سوریه جنگ مذهبی رخ داده یا نه» و در این مستند می بینیم که رژیم جعلی اسرائیل بیشترین سود را از جنگ در سوریه می برد.

■ سابقه کار درسوریه

پیش از این ۵ مستند در سوریه ساخته بودیم

حجت الاسلام رئیسی از مستندهایش می گوید

«بازگشت گمورا»؛ بازگشت بحران جنسی به دنیا

حجت الاسلام محمد جواد رئیسی کارگردان مستند «بازگشت گمورا» است. طبق گفته خودش از روی دغدغه به ساخت کلیپ روی آورده و پس از آموزش‌هایی که در حوزه هنری فرا می‌گیرد، به تدریج ساخت فیلم کوتاه را شروع می‌کند.

کاری با موضوع نقد روشنفکری در دست تولید دارم که در مرحله فیلمنامه است؛ دوتا کار دیگر هم دارم که یکیشان درباره یمن و دیگری درباره آمریکا است که الان در مراحل پایانی تدوین هستند.

جشنواره عمار

اولین بار در یکی از روزنامه‌ها خبر اختتامیه جشنواره عمار را شنیدم و از سال بعد یعنی در سومین دوره جشنواره عمار، با ارسال فیلم، شرکت داشتم.

عمار نسبت به بقیه جشنواره‌ها یک ویژگی خاص دارد که او را متمایز کرده، آن هم بحث اکران‌های مردمی‌اش است؛ اکران‌های بسیاری از جشنواره‌ها مخصوص اقدشار هنرمند و روشنفکر است ولی جشنواره عمار مردمی بوده و متعلق به قشر خاصی نیست. می‌توانم بگویم اکران مردمی بزرگترین مزیت جشنواره عمار به حساب می‌آید.

کمکی که جشنواره عمار به سینما کرد، تربیت فیلمسازان جوان و خوش آتیه بود که من از همین امتیازش خوشم می‌آید.

پیشنهاد موضوع به فیلمسازان

بزرگترین ضعفی که در کشور داریم بی‌اعتمادی مردم نسبت به بدنه خاصی از مسئولین و ناامیدی از آنهاست؛ به همین دلیل نقد درون‌گفتمانی و مطالبه‌گری برای رسیدن به آرمان‌های انقلاب بهترین موضوع است.

اولین و مطرح‌ترین آثار

«این جا آسمان زیباست»، «لباس پادشاه» و «نغمه سرا»، از اولین کارهای من است و «بازگشت گمورا» مطرح‌ترین اثری بوده که کارگردانی کرده‌ام.

اثری داشتم با عنوان «لباس پادشاه» که سال گذشته در جشنواره عمار حضور داشت، فیلم «نغمه سرا» امسال در جشنواره چهل چراغ جایزه گرفت و همین‌طور در جشنواره سما نیز حضور داشت.

ایده «بازگشت گمورا»

یکی از دوستان بنده در حال پژوهش برای تولید فیلمی بود که در حین تحقیقاتش به این موضوع برخورد کرد و آن را با ما در میان گذاشت؛ بنده نیز تصمیم به تولید فیلمی با این مضمون گرفتیم.

«بازگشت گمورا» به نقش آمریکا در تحول مسائل جنسی دنیا و آثاری که از خودشان به جای گذاشته‌اند می‌پردازد و بزرگترین حرف «بازگشت گمورا» نشان دادن عاملان اصلی در بحران جنسی دنیا است.

مشکلات ساخت

به دلیل این که کار، آرشیوی است، جستجو و تحقیق در موضوع فیلم با سختی مواجه بود؛ با وجود منابع محدودی که برای تحقیق در اختیار داشتیم با زحمت بسیار زیادی به جمع‌آوری آرشیو پرداختیم.

زمان و انرژی بیشتری در این مسئله صرف کند، به یقین در این عرصه بیش از پیش خواهد درخشید.

مزیت جشنواره عمار نسبت به دیگر جشنواره‌ها اکران‌های متداوم و شیوه برگزاری آن است که اهمیت دادن به بخش اکران‌های مردمی و تزییق ایده‌ها و نظرات جدید در جهت پویا نگه داشتن اکران‌های مردمی امری مهم و اثر گذار است.

توجه به محتوا از دیگر مزیت‌های نسبی عمار نسبت به دیگر جشنواره‌ها و عمار همانند دیگر جشنواره‌ها نیست که با تغییر دولت‌ها رویکردشان نیز عوض شود و رویکردهایش مشخص است و مخاطبش می‌داند با چه جشنواره‌ای طرف است.

بزرگترین ضعف در جشنواره‌ها این است که سیاست‌های آن با تغییر دولت نیز تغییر می‌کند و به خاطر همین این جشنواره‌ها پیشرفت‌های زیادی ندارند.

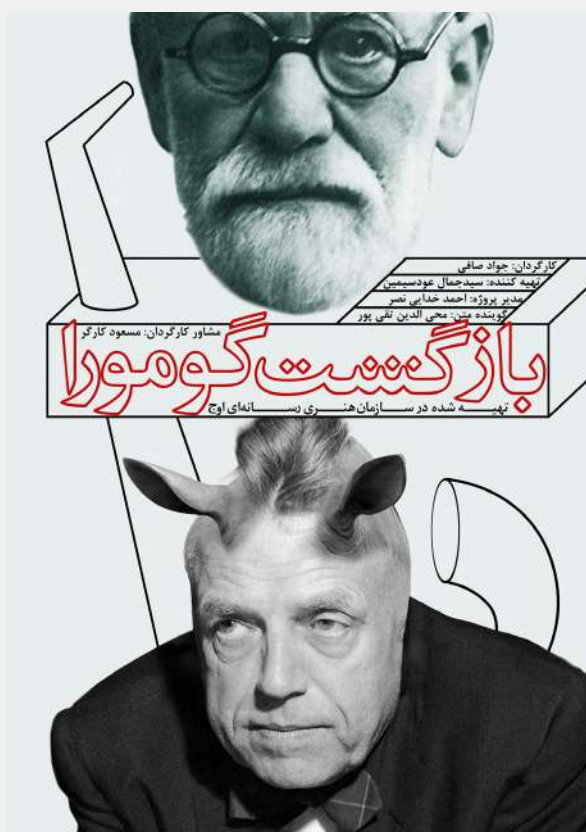
جای خالی در نقد درون‌گفتمانی

جای خالی بچه‌های انقلابی و دغدغه‌مند در تولید آثاری با موضوع نقد درون‌گفتمانی احساس می‌شود، چه این که وقتی ما در فضای گفتمان انقلاب اسلامی به جمهوری اسلامی نقد وارد کنیم، حرف مردم را زده ایم، چرا که این نقدها نقدهایی دلسوزانه و در جهت برطرف کردن مشکلات است.



۵

گفت و گو





خلیل پور؛ انیمیشن ساز

باید به مسائل اجتماعی هم پردازیم

نامش سید مرتضی خلیل پور است. متولد سال ۱۳۷۱؛ کارگردان پویانمایی «فکر آمریکایی» و «واقعیت هلوکاست». فارغ التحصیل رشته ایمنی صنعتی بوده و فعالیت هنری اش را سال ۱۳۹۰ با ساخت کلیپ آغاز کرده است. سید مرتضی خلیل پور در سال ۱۳۹۳ وارد عرصه تولید موشن گرافی شد و تا کنون ۵ پویانمایی تولید نموده است.

اولین و مطرح ترین کار

اولین کارم «یمن در خاک و خون» بود. ابتدای حمله عربستان به یمن این فتوکلیپ را تولید کردم و مطرح ترین کارم همین «فکر آمریکایی» است که در جشنواره حقوق بشر آمریکایی، در بخش موشن گرافی مقام اول را کسب کرد.

ایده «فکر آمریکایی»

یکی از افراد تیم ما که نویسنده و ایده پردازی گروه را نیز برعهده دارد، این موضوع را برای ساخت پیشنهاد داد. ما هم درباره آن فکر کردیم و متوجه شدیم که کار جالبی است. این کار مقایسه عملکرد ایران و آمریکا برای رسیدن به منافع ملیشان است.

بزرگترین حرف «فکر آمریکایی»؟

این سؤال همیشه مطرح می شد که چرا باید به سوریه و عراق کمک کنیم در حالی که در کشور خودمان مشکلات مختلفی وجود دارد؛ ما در این پویانمایی نشان می دهیم، علاوه بر مباحث معنوی، در حمایت از این کشورها مباحث مادی هم وجود دارد، اگر منافع نداشت آمریکا از آن طرف دنیا به عراق نمی آمد.

مشکلات تولید

بیشتر مشکل ما، بحث مالی و تجهیزات بود، ولی با وجود سختی هایی که داشت ما این

کار را دلی ساختیم و قصدمان این نبود که به جایی بفروشیم.

پویانمایی «واقعیت هلوکاست»

این اثر در قالب پویانمایی و موضوع بیداری اسلامی در دو قسمت تهیه شده است. با «واقعیت هلوکاست» سعی کردیم جریان هلوکاست را افشا کرده و از دروغ های یهودیان

به نظر من با این که دولت اصلاً بودجه خاصی به آن نمی دهد، از جشنواره های دولتی بهتر است. حتی بر خلاف بسیاری جشنواره ها هر سال کارهایش فنی تر و به استانداردها نزدیکتر می شود.

و غرامت هایی که گرفتند پرده برداری کنیم؛ غرامت هایی که با استفاده از آن رژیم جعلی اسرائیل را تاسیس کردند.

حضور در جشنواره ها

با پویانمایی «فکر آمریکایی» در جشنواره حقوق بشر، با اثر «هولوکاست» در جشنواره بسیج

استان البرز و با نماهنگ «یمن در خاک و خون» در جشنواره مقاومت شرکت کرده ام.

جشنواره عمار

به نظر من با این که دولت اصلاً بودجه خاصی به آن نمی دهد، از جشنواره های دولتی بهتر است. حتی بر خلاف بسیاری جشنواره ها هر سال کارهایش فنی تر و به استانداردها نزدیکتر می شود.

با حمایت های این جشنواره از کارگردانان جوان، هر سال کارگردان های زیادی مطرح می شوند و در چند سال آینده ۱۰ نفر مثل ابراهیم حاتمی کیا تربیت خواهند شد. من واقعاً از ساختار مردمی عمار لذت می برم. با جشنواره عمار می شود روح سینما را دید. البته به شرطی که خودسازی علمی و تجربی را فراموش نکنند.

سخنی با فیلم سازان

فیلم سازان اگر به موضوعاتی مثل مدافعان حرم بپردازند، خوب است؛ ولی نیازهای دیگری هم در جامعه داریم که باید خیلی جدی به آنها توجه کرد؛ به طور مثال پرداختن به مسائل اجتماعی در قالب انتقاد و پیشنهاد نیاز است.

محرومیت زدایی، دغدغه فرشته بشاگرد

حامد گلناری

آبادانی بشاگرد است که در روایت اول پیگیری می‌کند. هرچند در بسیاری از مواقع فیلم می‌رود که در دام تقلیل یافتن به ناهنگ و ... بیوفتد اما می‌تواند بعضا خود را نجات دهد و مشخص است که همراه کردن مخاطب برای همراهی با مستندی که نزدیک به یک ساعت به طول می‌انجامد نیازمند خط تعلیقی بسیار نیرومند است که این امر در روایت دوم ضعیف تر است.

همچنین توجه به چند نکته دیگر خالی از اهمیت نیست. نخست استفاده از فضاهای گرافیکی و اینفوگرافی در ابتدای مستند است که کمی لحن طنز به خود می‌گیرد. اما این سبک ارائه مطلب و استفاده از اینفوگرافی در ادامه یکی دو بار بیشتر تکرار نمی‌شود و نمی‌تواند خود را به عنوان عضوی از بافت فیلم معرفی کند که شاید اگر این امر یعنی تکرار محقق می‌شد استفاده از این ابزار بهتر به جان کار می‌نشست؛ نکته آخر هم نگاهی است که فیلمساز به مسئله محرومیت و محرومین دارد. آنچه که ما خصوصا در روایت دوم به عنوان نماد های محرومیت می‌بینیم خانه های روستایی است و یا بازی کردن بچه ها با بزها و... و از طرف دیگر ساخته شدن یک خانه سیمانی در وسط روستا و ایجاد منظره های ناهمگون با طبیعت اطراف، به عنوان آبادانی معرفی می‌شود. جای سوال است که آنچه ما با تفکر برآمده از انقلاب اسلامی از مفهوم محرومیت و آبادانی می‌فهمیم چیست و همچنین وجوه تمایزش با دیدگاه غربی درباره محرومیت چیست؟ آیا بازی کردن بچه روستایی با بز بیشتر نماد محرومیت است یا بازی کردن بچه شهری با کامپیوتر؟ شاید وظیفه مستند ساز انقلابی توجه کردن به مسائل عمیق این چنین باشد.

پابرهنگان، از اساسی ترین نکات در اندیشه امام راحل بوده و با ذات انقلاب اسلامی پیوندی ناگسستنی دارد. پرداختن به این مسئله بسیار مهم، پس از گذشت چند دهه از پیروزی انقلاب و تلاش در جهت زنده نگه داشتن این شعار و اندیشه مهم، کاری ستودنی است. اما آن چیزی که در کنار بحث محرومیت زدایی، با اهمیت

در کنار توجه به دوگانگی معرفی محرومیت بشاگرد و معرفی شخصیت حاج عبدالله والی، مستند توانسته است خطی روایی برای خود دست و پا کند و از قبل آن بتواند مخاطب را با خود همراه کند. اساسی ترین دست آویز مستند برای داشتن خط روایی، مسئله آبادانی بشاگرد است که در روایت اول پیگیری می‌کند.

تر جلوه میکند این مسئله است که حرکت در راستای محرومیت زدایی جز با روحیه جهادی و با اندیشه بسیجی امکان پذیر نمی‌باشد و این شاید محوری ترین مسئله ای است که فیلمساز سعی می‌کند به آن بپردازد و پر واضح است که نیاز و گم شده فضای اجرایی امروز جامعه ما است.

در کنار توجه به دوگانگی معرفی محرومیت بشاگرد و معرفی شخصیت حاج عبدالله والی، مستند توانسته است خطی روایی برای خود دست و پا کند و از قبل آن بتواند مخاطب را با خود همراه کند. اساسی ترین دست آویز مستند برای داشتن خط روایی، مسئله

مستند «فرشته ها هنوز در راهند...» ساخته سید مجتبی خیام الحسینی است که در آن تلاش شده، سیمای مردی مقاوم به تصویر کشیده شود که توانسته است در مکانی دور افتاده و محروم، با روحیه جهادی و بسیجی، آبادانی ایجاد کند و اکنون بعد از سال ها از او به نیکی یاد می‌شود همچنین این مستند در صد معرفی روستای بشاگرد است. روستایی که قبل از انقلاب کاملا مغفول مانده و حتی با تلاش های بی دریغ حاج عبد الله والی هنوز هم اشک محرومیت را می‌توان بر چهره فرزندان این منطقه دید.

مستند با ورود جذاب خود، همزمان به معرفی دو ضلع اساسی موضوع مورد نظر می‌پردازد. منطقه ای محروم که نیازمند خدمت جهادی است و از طرف دیگر معرفی شخصیتی جهادگر که می‌تواند الگوی مناسبی در این زمینه باشد. با همین رویکرد دو محوری، خود مستند نیز ساختاری دو قسمتی پیدا می‌کند. روایت اول با نام «فرشته ها می‌آیند...» و روایت دوم با نام «فرشته ها کم اند...».

این ساختار دومحوری از طرفی به جامعیت مستند کمک شایانی کرده است و از طرف دیگر توانسته است کاری کند که اثر صرفا در معرفی یک الگو متوقف نشود. معرفی شخصیت جذاب و دلچسب حاج عبدالله والی آنقدر پر مایه است که فیلمساز میتواندست به همین قدر بسنده کند اما او گام را فراتر می‌گذارد و به وضعیت حال بازگشته و به دنبال امتداد عمل و آرمان حاج عبدالله والی می‌گردد.

این فیلم به موضوع محرومیت زدایی می‌پردازد. موضوعی که یکی از شعارهای اساسی انقلاب اسلامی بوده و مشخصا پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط امام خمینی (ره) مورد توجه فراوان قرار می‌گیرد. توجه به محرومین و

فیلم
بچه‌ها هنوز در راهند

۷

نقد





جشنواره ای فراتر از فرم و محتوا

جمال احمدی

فرم یا محتوا در عمار

در سینما، فرم مهمتر است یا محتوا؟ به عبارت دیگر، مهمتر این است که چه حرفهایی زده شود و یا اینکه حرفها چگونه زده می شوند؟ کدام مهمتر است؛ چه یا چگونه؟ با توجه به هدف شکل‌گیری جشنواره که پرداختن به موضوعات بکر و انقلابی است؛ مسلماً جواب، «محتوا» یا «چه» خواهد بود. این جواب، واکنشی است درست و انقلابی، به سینمای هنری موجود که خالی از دغدغه و محتواست. اما فارغ از این واکنش‌ها، اصل و حقیقت امر در سینما چیست؟

آوینی و مسئله فرم و محتوا

شهید آوینی در نگاه اول طرف «فرم» یا «چگونگی» را می‌گیرد: «من با نقد مضمون در سینما مخالفم. چرا که اعتقاد دارم در سینما، تکنیک از مضمون اهمیت بیشتری دارد... در هر آنچه با بیان سر و کار دارد تکنیک و قالب بیانی از مضمون مهمتر است، چرا که اصلاً موجودیت مضمون موقوف به چگونگی بیان آن است. مضمونی که بیان نشود یا خوب بیان نشود چه اهمیتی می‌تواند داشته باشد؟»^۱ آوینی در جای دیگر کلامی خلاف قبل دارد: «در مرحله تولید فیلم، تکنیک از مضمون مهمتر است اما نکتتم مضمون اهمیت ندارد. اصلاً مگر نه اینکه تکنیک برای بیان مضمون است؟»^۲ کسانی که این مطالب را سطحی مطالعه می‌کنند زود حکم به تناقض کلام شهید می‌دهند

و با فهم قاصر خودشان آرای آوینی را زمانی و متغیر می‌دانند. در حالی که چنین نیست. با مطالعه کامل می‌توان به مبانی یکپارچه ایشان در این زمینه پی برد. از جمله، این عبارات: «شاعری که با تکنیک شعر انس ندارد هر چه بگوید بد است. اما عکس این حکم درست نیست که هر هنرمند صاحب تکنیک لزوماً هرکاری بکند خوب است»^۳ «قالب و محتوا و یا صورت و معنا را نمی‌توان از هم جدا کرد. انتزاع این دو مفهوم از یکدیگر در مرحله تفکر انتزاعی انجام می‌شود. آیا هیچ شاعر خوبی را می‌شناسید که در هنگام سرودن شعر، نخست مضمونی را ببیند و آن گاه بنشیند و قالب مناسبی برای این مضمون جفت و جور کند؟»^۴ و در نهایت کلام، حرف آخر: «قالب و محتوا و ظرف و مظروف در سینما دو مرتبه از یک وجود واحد هستند، همچون روح و بدن»^۵.

معنای وحدت فرم و محتوا

جدا نبودن محتوا از فرم یعنی؛ پیام فیلم از طریق فرم به مخاطب می‌رسد. اینگونه نیست که ما محتوایی از پیش داشته باشیم و فرم جذابی برایش آماده کنیم. پیام و مضمون سینمایی همان تأثیری است که فرم می‌گذارد «نه آنچه عطار بگوید». ممکن است مضمونی اخلاقی با فرمی مبتذل ارائه شود. در این صورت محتوا به فرم نرسیده و تأثیرش فقط ابتذال است. شهید آوینی مکرر فیلمفارسی‌های قبل از انقلاب را مثال می‌زند که همه به اعتقاد

سازندگانشان، مضمونی اخلاقی دارند؛ اما در تصاویر و شخصیت‌ها و صوت و کلامی که نشان می‌دهند، ترویج ابتذال می‌کنند. مثال نزدیکتر که شبیه به فیلمفارسی هم هست، برخی سریال‌های کنونی تلویزیون خودمان است. سازنده سریال به خیال خود داستانی آموزنده، دینی و اخلاقی را روایت می‌کند. اما پیام اصلی، تبلیغ اشرافیگری و زندگی بلاشهری تهران، ترویج لوازم آرایشی زنانه و عادی سازی روابط محرم و نامحرم است. این ضعف ناشی از نشناختن ابزار سینماست. کسی که سینما را آنطور که هست بشناسد محتوا و فرم را جدا نمی‌پندارد. محتوا و فرم دو مرتبه از یک حقیقت واحداند. این وحدت و مثالی که در وحدت روح و بدن، از مطالب بلند و رفیع و عمیق حکمت متعالیه و عرفان اسلامی است. در طرح اجمالی مطلب، نفس انسان یک حقیقت دارای مراتب است و چنین نیست که روح و بدن دو امر جدا از هم باشند. بدن جنبه مادی این حقیقت، و روح، باطن آن است. به طور کلی ارتباط دنیا و عقبی در حکمت اسلامی، رابطه ظاهر و باطن است. از این‌رو رابطه معنا و صورت یا محتوا و فرم در هنر حقیقتاً به همین شکل است. چنانچه در اشعار عرفای ما چنین است. این اشعار حاصل بازی با لغات نیست. بلکه ثمره درکی از یک حقیقت زیبا و سپس نزول این حقیقت در قالب الفاظ است. البته هرچه این درک رفیع‌تر باشد، اثر حاصل از آن متعالی‌تر خواهد بود.



اکران و اثر تربیتی

جمال یزدانی

از اساسی‌ترین نیازهای انسان، تربیت شدن و رشد برای رسیدن به اهداف غایی مطلوب خود است. به همین دلیل تربیت خانوادگی، تربیت در نهاد علم (مدرسه و دانشگاه و حوزه) تربیت در مسجد و... انواع مختلف و متفاوتی از تربیت‌ها هستند که به این نیاز طبیعی پاسخ می‌گویند.

اکران کننده یک انسان فعال است که آگاهانه و آزادانه پذیرفته است تا فیلم اکران کند. آگاهی و آزادی دو رکن اساسی در تربیت است. یعنی متربی اگر بخواهد رشد کند، مربی باید با دو شرط محوری پیش گفته، زمینه حرکت را برای متربی ایجاد می‌کند. به همین دلیل کار اکران کننده کاری اثرگذار است. او به دست‌تور کسی اکران نمی‌کند! او به خاطر منافعی اکران نمی‌کند! برای همین بستری اساسی برای کار تربیتی است چون همه فاکتورهای موثر در این حرکت وجود دارد.

گام بعدی در حوزه تربیت استمرار و تداوم است. مربی اگر با متربی ارتباط دائمی داشته باشد می‌تواند بر او اثرگذار و گرنه ارتباط مقطعی و گذرا گرچه تغییرات و اثر خود را داراست اما به همان میزان زودگذر است. اکران کننده معمولاً خود فعال فرهنگی است و می‌تواند با تداوم اکران با مخاطب رابطه‌ای تربیتی برقرار نماید.

مدل تربیتی در رابطه اکرانی، مدل الگویی است. ارائه فیلم به مخاطب بیان غیرمستقیم ارزش‌ها و نشان‌دهنده الگوهای عملی آرمان‌هاست. پس بنابراین بسیار از بیان مستقیم متربی موثرتر خواهد بود. پس بنابراین اکران کننده شان یک مربی را می‌تواند پیدا کند اگر نسبت به این رابطه، حالت خودآگاهی بیابد و از روش‌ها و ابزارها و ظرایف آن اطلاع نسبی داشته باشد.

دیده شدن؛ بهترین جایزه برای فیلمسازان عمار

سینا رضایی، از اعضای گروه فرهنگی «فرمان یازدهم» گفت: امروزه بهترین رسانه برای سخن گفتن، تصویر و فیلم است، فیلمساز افزون بر این که با فیلم خود می‌تواند مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد، امکان مانور بسیاری را برای فیلمساز فراهم می‌کند تا بتواند به شیوه‌های گوناگون حرف خود را بیان کند. من به همراه چند نفر دیگر از دوستانم که در یک مدرسه تحصیل می‌کنیم و هر کدام در رشته‌ای هنری از جمله تدوین، فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی مهارت داریم، در ابتدا کارهایی به صورت آماتوری در زمینه فیلمسازی انجام می‌دادیم، اما اکنون و پس از گذشت حدود یک سال سعی کرده‌ایم کارمان را به صورت حرفه‌ای تر دنبال کنیم. مستند «کاش من یک افغانی بودم» در رابطه با تیپ فاطمیون، تیپ مخصوص مدافعین حرم افغانستانی است و در ابتدا سعی کردیم در این مستند اختلاف طبقاتی مردم افغانستان با مردم عادی ایران و شرایطی که در ایران با آن دست به گریبانند، نشان داده شود و سپس مسیر فیلم به سمت حضور مدافعان حرم افغانستانی، در سوره هدایت شده است. آشنایی با جشنواره عمار و بخش «فیلم ما» به واسطه یکی از دوستانمان اتفاق افتاد؛ ایشان که با جشنواره عمار آشنا بود، پس از دیدن فیلمی که ساخته بودیم، به ما گفت: این فیلم مناسب برای بخش «فیلم ما» در جشنواره عمار است. ما به عنوان یک گروه دانش آموزی هدفمان از ساخت اثر، شنیده شدن صدایمان است و بخش فیلم ما از این جهت که حلقه وصلی میان مخاطب عام و فیلم‌ساز آماتور است بسیار ارزشمند و قابل تقدیر است و این دیده شدن برای ما به عنوان فیلمساز بهترین جایزه از سوی جشنواره عمار است.



مسئله ما در عمار

نکته مهمی که باید گفت این است که مسئله فرم و محتوا متعلق به غرب جدید است. در تاریخ هنر جدید است که برخی فرمالیست می‌شوند و برخی بیانگری پیشه می‌کنند. غرب زیبایی را امر حسی می‌بیند و هنر را در ظاهر جستجو می‌کند. در برابر این موضع کسانی هم در همان غرب پیدا می‌شوند و علیه این افراط قیام می‌کنند که به دلیل نداشتن مبنای درست دچار تفریط می‌شوند. اما انقلاب اسلامی متأثر از عمق معارف دینی از این افراط و تفریط دور است. لذا هنرمندان متعهد و انقلابی باید متوجه این امر باشند که انتخاب فرم یا محتوا، بازی در زمین دیگری است. نباید در واکنش به سینمای فرمالیست و بی‌دغدغه، دچار تفریط شد که این هم غریب‌دگی است. با ورود آگاهانه بسیجی‌ها به عرصه سینما و تسلط آن‌ها بر تکنیک نگاه متفاوت به سینما محقق می‌شود. کمالینکه مثال‌های زیادی برای این ظهور هست. فیلم‌ساز مؤمنی که مسلط به تکنیکی باشد هنگامی که با موضوعی زیبا مواجه می‌شود آن را در قالب فرم می‌بیند و می‌یابد و نیاز به فرم‌سازی ندارد. تو پای به راه در نه و هیچ می‌پرس / خود راه بگویدت که چون باید رفت

۱- آینه جادو، جلد دوم، صفحه ۲۳۳، نشر واحه.

۲- آینه جادو، جلد سوم، صفحه ۱۷۷، نشر واحه.

۳- همان.

۴- آینه جادو، جلد دوم، صفحه ۱۸۲، نشر واحه.

۵- آینه جادو، جلد اول، صفحه ۱۶۰، نشر واحه.





بداعت سوژه، روایت درد

حجت الاسلام مسعود زارعیان

مسعود زارعیان متولد ۶۳ زاده مشهد است. مدرک کارشناسی ارشد تهیه‌کنندگی سیما از دانشکده صداوسیما دارد. طلبه است و سطح خارج حوزه، در حال تحصیل است. مستندسازی را سال ۸۶ با فیلم مدرسه حاج آقا ساخته. با فیلم علی‌ممد در جشنواره عمار حاضر است.

این می‌شود بداعت سوژه و بداعت موضوع. نکته دوم شخصیت خود مستندساز است. قطعاً من مستندساز، من معتقد انقلابی، یک ایدئولوژی مشخصی دارم، جهان‌بینی مشخصی دارم و فیلمی که می‌سازم با فیلمی که آدمی در رم ایتالیا می‌سازد خیلی متفاوت است. در همین کشور خودمان، من یک نگاهی دارم، رفیق کناردستی‌ام نگاه دیگری. پس این بداعت سوژه یک مفهوم است، شخصیت مستندساز یک امر دیگر. تلفیق این دو انتخاب، سوژه متفاوت را شکل می‌دهد. آنجاست که تو می‌فهمی بروی سراغ رسالت اصلی. رسالت مستندساز نشان دادن مسائل و مباحثی است که عموم انسان‌ها و مردمش غافل‌اند. مستندساز می‌خواهد با نمایش این سوژه یک دردی را نشان دهد، یک زخمی را نشان دهد که این زخم در واقع عده‌ای برای درمانش فکر کنند و اگر امکانش هست راهکار هم بدهد. اصلی‌ترین کار مستندساز همین است که زخم و درد را با درمانش نشان دهد. روی زخم را باز کند، زخمی که همه از آن اجتناب می‌کنند. بعد از کشف سوژه روایت سوژه خیلی مهم است. خود سوژه به مستندساز می‌گوید که چطور باید روایت شود. مستند علی‌ممد که برای جشنواره فرستادم راجع به مردی پنجاه ساله است که بعد از سی سال می‌خواهد جانبازی‌اش را و شیمیایی بودنش را اثبات کند.

باشد، طبیعتاً هیچ وقت بی‌سوژه نخواهد ماند. اما سوژه باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ این بازمی‌گردد به تعریف کلی سینمای مستند و بعد به شخصیت مستندساز. سینمای

گاهی اوقات بنا نیست که آدم از بیرون سفارش بگیرد، بلکه از نفس درونش می‌گیرد. از شیطان درونش سفارش می‌گیرد. تو واقعیت را دیده‌ای و می‌دانی چیست؛ اما نفست می‌گوید که این تکه‌اش را منحرف کن، یا تحریف کن

مستند، پرداختن خلاقانه امر واقع هست و بعد به این معنا که مستندساز همیشه چیزهایی را به ما نشان می‌دهد که به طور معمول دیده نمی‌شود. حرف جدید و تازه‌ای می‌زند. اگر غیر از این باشد که ما همه‌جا این را می‌بینیم، مثلاً اگر دوربینش را بگذارد مقابل ماشینش، ما همیشه این صحنه را می‌بینیم. رفت و آمد ماشین‌ها را بگیرد که صحنه خاصی نیست. تو اگر توانستی با یک نگاه متفاوتی آن را نشان بدهی که من آن را ندیده‌ام آن می‌شود سوژه.

مستندساز شبیه یک نظریه‌پرداز علمی است. پژوهشگر می‌تواند در حوزه‌ای خاص پژوهش کند، مقاله بنویسد و خروجی علمی داشته باشد. می‌تواند آن نظریه خودش را به نحوی ارائه و منتشر کند تا دیگران از آن سود ببرند و استفاده کنند. یک شخصی که در حوزه پزشکی کار می‌کند، یا سیاسی است یا در بخش اقتصادی فعال است چنین حالتی دارد. حرف‌های این گروه از افراد به داشته‌ها و تخصصشان باز می‌گردد. مستندساز است که در فیلم‌سازی تخصص دارد همانند نظریه‌پرداز است که با توجه به داشته‌هایش فیلم می‌سازد. اگر روی حوزه جمعیت تمرکز داشته باشد، سوژه‌های این حوزه را بهتر پیدا می‌کند. اگر در حوزه جنگ، مباحث مرتبط به جانبازان و اسراء مباحث مدافع حرم و ... فعالیت کند، تحقیقات بیشتری در این حوزه دارد و خیلی زودتر سوژه پیدا می‌کند. پس این سوژه بازگشت به داشته‌های مستندساز دارد. لذا در کارگاه‌های آموزشی می‌گویند از خودتان شروع کنید چون از همه بیشتر روی خودتان اشراف دارید. کسی که بگوید من سوژه ندارم و شش ماه است دنبال سوژه می‌گردم، او مستندساز نیست. مستندسازی که گیر سوژه باشد اصلاً مستندساز نیست چون داشته‌ای ندارد و هنوز هنرش شکل نگرفته. مستندساز باید داشته‌هایش را ارزیابی کند. اگر این داشته‌ها وسعت داشته

منجی شهر بدونِ کلوجه

مجید مالکی

در زمانه‌ای که دنیای جدید سهم کشورها را تقسیم می‌کند، نیویورک مرکز عالم است و تهران مرکز ایران، یک روایت وجود دارد. اگر می‌خواهی پیشرفت کنی، باید ساکن تهران، اروپا و نهایتاً آمریکا شوی. آنجا مرکز ثروت، رفاه و امکانات است. پیشرفت همه‌جانبه فقط در مرکز محقق می‌شود. بهترین دانشگاه‌ها آنجا است، بیشترین حجم پول برای کار اقتصادی، کانون‌های کسب قدرت، همگی در مرکزند و آنچه حاشیه‌ایست، و نسبتی با مرکز ندارد، باید تغییر کند. اگر تغییر نمی‌کند باید حذف شود و نهایتاً بمیرد. وجود بچه‌ها و سالمندان یک وجود حاشیه‌ایست و جایشان در کنار خانواده نیست. خانواده محل نظم مرکز است. مانع فعالیت اقتصادی زن و مرد است. این نظم باید تغییر کند و بچه‌ها و کهنسالان به مهدکودک و خانه‌سالمندان تبعید شوند. در عرصه‌های فرهنگی و تمدنی هم چنین سلطه‌ای وجود دارد. فرهنگ و تمدن غالب، همان فرهنگ و تمدن مرکزی است. فرهنگ‌های حاشیه‌ای و غیرمرکزی باید تغییر کنند و سازگار شوند و گرنه باید حذف شوند. زندان‌های فرهنگ و تمدن، همان موزه‌ها هستند. ما به موزه می‌رویم تا یادمان بیاید گذشتگان چطور بوده‌اند. پادم می‌آید روزی به موزه مردم‌شناسی رفته و مادر بزرگم را دیدم. با تنورش خشک شده بود و مثلاً نان می‌پخت. هرچه تلاش کردم به رئیس موزه توضیح دهم، مادر بزرگم زنده است و هنوز نان می‌پزد؛ حرفم را نمی‌شنید. می‌گفت: «آقا ببخشید! مأمورم و معذورا!»

آنجا فهمیدم که ایران با تمام داشته‌های فرهنگی‌اش، با تمام کورش و داربوشش، در موزه فرهنگ و تمدن جدید است و کسی نمی‌تواند نجاتش دهد. یعنی تاریخ هزارساله‌مان تمام؟ یعنی شهر دودگرفته...؟! آه! کاش می‌شد دستی از تاریخ برآید و ما ایرانی‌ها را از سیطره تمدن جدید نجات دهد. خدا صدای قلبم را شنید. خیرالنساء صدخروی در روز افتتاحیه جشنواره هفتم برایمان کلوجه پخت. با داستان خودش به مرکز آورد و همگان دیدند که او زنده است. خیرالنساء خودش به تهران آمد و از حیاتش دفاع کرد. پیش چشم همگان، پخش زنده تلویزیون ملی به همه نشانش داد. مادر بزرگم در تلویزیون خیرالنساء را دید و دعایش کرد. گفت: «حقا که تو خیرالنساء هستی!»



است، همه استفاده می‌کنند. مشکل اینجاست که یک آقایی، یک دیدگاه سیاسی دارد، به کارگردان می‌گوید این را برابری پر رنگ کن. اینجاست که مستندساز اگر از قاعده انصاف خارج شود، این کار رنگ و بوی سفارشی می‌گردد و کار کم ارزشی می‌شود. آنجاست که سینمای ما لطمه می‌خورد. پس مستندساز در همه حالت باید انسان منصفی باشد. هنگام فیلم‌سازی نباید قاضی باشد، باید مصاحبه‌گر باشد. گاهی اوقات بعضی مستندسازها شیطنت می‌کنند. خودشان را مشاهده‌گر نشان می‌دهند اما در حقیقت قاضی‌اند. تو اگر خودت را مستندساز بدانی، رسالتت این است که تاریخ را درست روایت کنی. همه ابعادش را روایت کنی. یا نگو من مستندسازم و پز مشاهده‌گری نده یا سینه سپر کن و بگو مثلاً پهلوی زده‌ام. اگر درباره مورچه بگویند فیلم بساز، نقش شاه را در ارتباطات مورچه‌ها هم نشان می‌دهم. گاهی اوقات بنا نیست که آدم از بیرون سفارش بگیرد، بلکه از نفس درونش می‌گیرد. از شیطان درونش سفارش می‌گیرد. تو واقعیت را دیده‌ای و می‌دانی چیست؛ اما نفسست می‌گویی که این تکه‌اش را منحرف کن، یا تحریف کن. مستندساز باید در تمام شرایط منصف باشد. چه در زمانی که سوژه را انتخاب می‌کند، چه در زمانی که نوع روایت سوژه را انتخاب می‌کند، چه در زمانی که سفارشی می‌گیرد.

من وقتی با این سوژه مواجه شدم دیدم قصه‌های ساده و معمولی دارد. نمی‌توانم به او ابژکتیو نگاه کنم؛ چون اصلاً سوژه‌ام کشش ندارد. فقط باید زندگی‌اش را به صورت ساده روایت کرد. دغدغه‌اش را دنبال کرد. پیگیری‌هایش را دنبال کرد. سوژه خودش به تو می‌گوید که چطور باید پرداختش کرد. نوع روایتش چه باشد. آیا می‌توان درگیر درامش کرد یا خیر. من روی این زمینه خیلی تاکید دارم که تا ذهن آماده نباشد، تا کارگردان قواعد سینما را نداند، تا اشراف کامل به زبان هنر و نوع روایت، نوع داستان، پیرنگ و خرده پیرنگ و عطف و فراز و فرود و پایان و... نداشته باشد، اصلاً نمی‌تواند مستندساز خوبی باشد. فیلمش هیچ وقت دیدنی نخواهد شد. صرفاً دوربین را برداشتن و تصویر گرفتن که به سینما نمی‌رسد. باید این ذهن پخته شده باشد، باید مرجعی از مباحث سینمایی و فیلمهای دیده شده باشد و تشخیص بدهد که چه روایتی، روایت درست‌تر و سالم‌تر است. چیزی که همواره باید همراه مستندساز باشد مقوله انصاف است. مستندساز اگر منصف باشد، هر کار سفارشی را خوب روایت می‌کند. مثلاً به کارگردان می‌گویند راجع به شهید دیالمه فیلم بساز. او می‌تواند یک فیلم انسانی، منصفانه، با اعتقاد و اشراف به تاریخ روایت کند، همه هم ببینند و لذت ببرند. کما اینکه کار ایستاده در غبار هم یک کار سفارشی است. اما چون منصفانه





برشی از مبارزات یک زن دغدغه پروین زیر شکنجه

«پروین سلیخی» همسر شهید دکتر «مرتضی لبافی نژاد» از جمله زنانی است که همگام با همسرش برای رسیدن به آرمان‌های امام خمینی(ره) از هیچ مجاهدتی دریغ نورزید. وی سال ۵۱ در سن ۱۶ سالگی با شهید دکتر مرتضی لبافی نژاد ازدواج کرد و زندگی‌اش با مبارزه پیوند خورد.

تو را می‌گیرد و می‌پرسد خانم من حجابش را دارد؟ نکنند از روی ترس یا اجبار حجابش را رعایت نکنند؟ من هم به او جواب دادم بله خانم حجابش را دارد وقتی این حرف را شنید انگار دنیا را به او دادند و خیلی خوشحال شد.» همسر مرتضی لبافی نژاد در سال ۵۴ به شهادت رسید، بعد از شهادت همسر، تا دو سال در زندان ساواک زندانی بودم که یک سال از آن را در سلول انفرادی و ملاقات ممنوع سپری کردم؛ فقط یک بار مادرم با سختی فراوان به ملاقاتم آمد؛ سال دوم به زندان اوین منتقل شدم و یک بار دیگر با خانواده‌ام ملاقات داشتم.^۱

۱. برای مطالعه سرگذشت خانم پروین سلیخی به دو کتاب «جرعه‌نوش» و «آن روزهای نامهربان» رجوع کنید.

گفتند «همسرت را دستگیر کردیم و هر بلایی بخواهیم سرش می‌آوریم» لباسی که بر روی سرم انداخته بودم تا موهایم را بپوشاند، از سرم کشیدند؛ چرا که می‌دانستند ما مذهبی هستیم و همسر من نسبت به این مسائل حساس است. بعد از این ملاقات مرا به سلول انفرادی فرستادند. اتاقی کوچک، تاریک و نمور با یک زیلوی خشن و خون آلود. با خود گفتم: «مگر نه این است که تو باید خود را برای این شرایط سخت آماده می‌کردی؟» بلافاصله ذهنم به سوی شرایط سخت تر رفت؛ تمام انواع شکنجه‌هایی که قبلاً شنیده بودم در ذهنم مرور شد. یک روز مرا برای بازجویی به اتاقی بردند و دست و پایم را روی تخت بستند. حسینی شروع کرد به شلاق زدن و مرتباً آتش سیگار را روی دست و پای من خاموش می‌کرد. آنقدر درد باتوم شدید بود که متوجه سوزش آتش سیگار نشدم اما وقتی به سلول برگشتم، درد شدیدی همه وجودم را فرا گرفت. در مدت زمانی که در کمیته بودم، از میان تمام نگهبان‌ها، نگهبانی بود که احساس می‌کردم از بقیه سالم تر است. مدام از او سؤال می‌کردم: «از دکتر خبر نداری؟» اوایل می‌ترسید حرفی بزنم اما وقتی التماس‌های مرا دید، جواب داد: «حال شوهرت خوب است او هم مدام سراغ

دکتر فعالیت‌های مبارزاتی خود را از سال ۴۲ آغاز کرده بود و به تدریج مرا در جریان فعالیت‌های مبارزاتی خود قرار می‌داد. من ضمن اطلاع از جریان‌های سیاسی و مسائل و اقدامات مربوط به آن در زمینه مبان‌های دینی، قرآن و تفسیر و ضرورت مبارزه با طاغوت از منظر تکلیف دینی نیز تحت تعلیم همسرم مطالعه و تحقیق می‌کردم و در سال‌های ۵۲ و ۵۳ به طور غیر مستقیم و به واسطه آقای دکتر به فعالیت‌های مبارزاتی پرداختم. اعلامیه پخش می‌کردم، سلاح، ماشین تایپ و بعضی مدارک و لوازم مورد نیاز مجاهدین و مبارزین را برایشان می‌بردم؛ البته فعالیت همسرم در سطح گسترده‌تر و متفاوتی از بنده بود، از جمله شرکت در قتل ساواکی‌ها، مستشاران آمریکایی و... یک روز منتظر بودم تا همسرم از درمانگاه به منزل برگردد؛ غافل از اینکه ساواک چند نفر از افرادی که با ما فعالیت می‌کردند را دستگیر کرده و آن‌ها نیز ما را به ساواک معرفی کرده بودند. همسرم در تبریز و من بعد از برگشت به تهران دستگیر شدم. بعد از انتقال به زندان ساواک، متوجه شدم می‌خواهند ترتیب دیداری با همسرم را بدهند؛ ساواکی‌ها فکر می‌کردند با این ملاقات روحیه من و همسرم را ضعیف می‌کنند. به او



برای دانلود نرم افزار گنج از طریق اسکن تصویر روبه رویا سایت زیر اقدام نمایید .
WWW.GANJ.INFO
@AMMARFEST

شما خوانندگان عزیز می‌توانید با شناسایی زنان مجاهد و انقلابی در شهر و محله خود به دیدار آنها رفته، پای صحبت آنها بنشینید و در کنار هم فیلم‌های جشنواره عمار را تماشا کنید. گزارش خود از این دیدار را در قالب حاشیه نگاری، ضبط خاطره و یا حتی ارائه اطلاعات تماس است بانوان انقلابی شهرتان برای جشنواره عمار بفرستید .

اصول محتوایی



انتخاب سوژه

سوژه‌های بکری اطراف ما هستند که جذابیت‌های زیادی برای ثبت و نشان دادن به دیگران دارند. از این ظرفیت‌ها نباید غفلت کرد. «مردم قهرمان»، مردم عادی‌ای هستند که اطراف ما زندگی می‌کنند و نسل جدید به راحتی می‌تواند با آن‌ها همذات‌پنداری کند و به عنوان الگو انتخابشان کند.

؟؟؟ طراحی سئوال

انتخاب سئوال مناسب، مهمترین بخش یک مصاحبه موفق است.

راهنمای فیلم سازی مردمی

چگونه «فیلم ما» بسازیم ؟

متأسفانه بسیاری از قهرمانان جامعه‌ی ما، بدون ثبت حتی چند سطر خاطره، از دنیا می‌روند. رخداد‌های مهم فراوانی، قبل از ثبت شدن، به فراموشی سپرده می‌شوند. به طوری که ما داریم از حق طبیعی «دسترسی به واقعیات تاریخ»، محروم می‌شویم و بسیاری از آثار هنری که می‌توانند در سطح جهان تأثیرگذار باشند، هرگز به تولید نمی‌رسند.

شما می‌توانید با دوربین تصویری دستی یا گوشی همراه، از سوژه‌های اطراف خود فیلم بگیرید، در بخش «فیلم ما» در جشنواره مردمی فیلم عمار شرکت کنید و در نجات‌دادن سوژه‌ها از خطر فراموشی، سهیم باشید. حداقل فایده این کار این است که اگر به طور مثال، ده سال بعد یک فیلمساز بخواهد درباره آن سوژه فیلمی بسازد شما یک منبع خوب برایش ایجاد کرده‌اید.

هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار

7th ammara popular film festival



اصول فنی

تصویر



تلفن همراه، راحت‌ترین و شاید بهترین وسیله ثبت سوژه است. سعی کنید به قابلیت‌ها و امکانات دوربین یا تلفن همراه خود مسلط شوید. همچنین از نرم افزارهای مختلفی که برای فیلم‌برداری و ضبط صدا در تلفن همراه ارائه شده‌اند دیدن کنید و اگر متوجه تأثیر آنها در بهبود عملکرد دستگاهتان شدید آنها را نصب نمایید.



نور

حتی المقدور از قرار دادن نور مانند لامپ، پنجره، آینه‌ای که نور از آن منعکس می‌شود و... در کنار دوربین، خودداری کنید. این وضعیت، اغلب دوربین را (مخصوصاً در حالت اتوماتیک) به اشتباه می‌اندازد و باعث تاریک و خراب شدن تصویر می‌شود.



صدا

توجه داشته باشید بهترین تصاویر هم در صورت نداشتن صدای مناسب، هرگز مفید و قابل استفاده نخواهند بود.



اقتصاد مقاومتی مانع مهاجرت بیهوده

«مهدی رشوند» کارگردان ۳۰ ساله «اویس» که فارق التحصیل رشته فیلم سازی است در گفتگویی عنوان کرد: از سال ۸۴ با این حرفه آشنا شدم و تاکنون ۵ مستند را تولید کرده‌ام که دو اثر خود را با نام‌های «اویس» و «فرزند طبیعت» به هفتمین جشنواره عمار ارسال کرده‌ام.

اثر را تولید کنند و این دید را ندارند که به تبلیغات و عرضه آن توجه کنند تا مستند دیده شود.

نحوه آشنایی با جشنواره عمار

بنده کارم مستند سازی است و به واسطه شغلم دو سال پیش با این جشنواره آشنا شده بودم که بعد از ساخت این دو مستند متوجه سازگاری آن با موضوع جشنواره عمار شدم و آنها را ارسال کردم.

آشنایی بنده با جشنواره عمار کم است و مستندهایش را خیلی ندیده‌ام، فقط اخبارش را از دوستان شنیده و در آن شرکت کردم به دلیل همین دلیل نمی‌توانم سطح کیفی این جشنواره را توضیح بدهم.

آثار دیگر رشوند

مستندی ساخته ام راجع به خیابان ۳۰ تیر تهران که سعی کردم به تاریخ این خیابان بپردازم؛ بعد ساخت این اثر موجه شدم تاریخ معاصر موضوع مهمی است که کمتر دیده ام فیلمسازان جوان به آن بپردازند.

هدف از ساخت مستند «فرزند

طبیعت

دغدغه من این است که نشان دهم در گوشه و کنار این کشور می‌شود با یک سرمایه اندک ایجاد اشتغال کرد و با این کار می‌شود جلوی مهاجرت های بیهوده ای که برای یافتن کار می شود را گرفت.

مشکلات ساخت این دو مستند

به نظر بنده بزرگترین مشکل سرمایه است زیرا سرمایه آنقدر کم است که تهیه کنند به مستند ساز بی اعتماد است و توقع دارند با پول کم، فیلم بسیار فاخر تحویل بگیرد که این مراحل کار را خیلی سخت می‌کند.

به دلیل کمبود سرمایه بیشتر کارهای مستند «اویس» و «فرزند طبیعت» را خودم انجام داده که این خیلی انرژی می‌گیرد و این در حالی است که زحمت مستند ساز با دستمزی که به او می‌دهند همخوانی ندارد.

نگاه بسیاری از تهیه کنندگان این است که فقط

اقتصاد مقاومتی

«اویس» از جانبازی سخن می‌گوید که بعد از بازنشستگی به روستای پدری خود بازمی‌گردد و با ایجاد اشتغال در کارگاه پرورش قارچ خود سعی در بازگرداندن روستاییان به محل زندگیشان دارد.

هدف از تولید مستند «اویس»

در این مستند سعی کردم بدون اینکه اسمی از اقتصاد مقاومتی بیاورم، نشان دهم در روستاها با کمترین امکانات می‌شود ایجاد اشتغال کرده و حتی می‌توان روستاییان دیگر را هم برای کار به زادگاه خودشان برگرداند.

مستند دوم در عمار

«فرزند طبیعت» هم با مضمون اقتصاد مقاومتی و درباره طلبه جوان و نمونه‌ای در بندر گز است که کارگاه پرورش شتر مرغ احداث کرده و با وجود اتفاق های عجیب و غریب به کار خود همچنان ادامه می‌دهد.





وحید فرجی:

خاطرات نارنجی از عامل نارنجی

وحید فرجی، متولد ۱۳۵۸ است که از دوران دبیرستان کارهای هنری خود را در رشته‌های خوشنویسی و عکاسی آغاز و در دانشگاه رشته عکاسی را دنبال کرد. فرجی علاقه خود به سینما را از سال ۸۹ با تصویربرداری در مستندهای روایت فتح دنبال کرد و تا کنون بیش از ۷ اثر را کارگردانی کرده است که «غزال ایرانی»، «تسیم حیات» و «پارسیان زنگبار» از جمله آنهاست. او که جوایز ملی و بین‌المللی بسیاری در کارنامه خود دارد، با اثر «خاطرات نارنجی» در هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار حضور دارد، در این مستند کارگردان به استفاده آمریکا از تسلیحات شیمیایی به نام عنصر نارنجی علیه مردم و محیط زیست در ویتنام می‌پردازد.

بخش‌های متعدد جشنواره سبب ایجاد سردرگمی و حجم بالای کار می‌شود و این حجم بالای کار نیازمند نیروی بسیار و انرژی مضاعف می‌شود و عدم جداسازی بخش‌های مختلف و حجم بالای بخش‌های جنبی اجازه ورود عمیق و بررسی نقاط ضعف را نمی‌دهد و این انرژی اگر در تنها سه بخش مختلف پخش شود اثر گذاری بیشتری به همراه خواهد داشت.

سوژه‌های مغفول مانده

به نظرم با توجه به ماهیت و اهداف جشنواره عمار، موضوعی که از آن توسط گفتمان‌های انقلابی در این سال‌ها مورد غفلت واقع شده، توجه به مسائل و دغدغه‌های اجتماعی از جمله توزیع عدالت، فقر، اقتصاد و بروکراسی‌های اداری است.

فیلمسازان متعهد در حوزه‌های اجتماعی ضعیف وارد می‌شوند و کسانی هم که در مقوله سیاست‌گذاری امر هستند باید در سیاست‌های خود به این مسئله توجه ویژه‌ای نشان دهند.

خود را از نگاه کسانی روایت کردیم که خود این جنایت را مرتکب شده‌اند و اکنون تبعات آن دامن خودشان را گرفته است.

مشکلات ساخت این مستند

با توجه به این که تصویربرداری این اثر در خارج از ایران صورت می‌گرفت، بخشی از مشکلات مربوط به نقل و انتقال و نیاز به مترجمی بود که باید با ما همراه می‌شد و نکته دیگر مسیّر جلب اعتماد سوژه‌های مستند بود؛ چرا که آن‌ها هیچ گونه شناختی از ما نداشتند و این مرحله جلب اعتماد پروسه سختی بود و این که ۸۰ درصد از این مستند تولیدی و بقیه آن آرشیو است.

جشنواره عمار

من از دوره سوم با این جشنواره همراه بوده‌ام و انتقاد این است که تعداد بخش‌های جشنواره زیاد است و این مسئله باعث می‌شود که مسئولان امر نتوانند با جدیت و عمق به همه جوانب آن بپردازند و به عنوان مثال پس از گذشت ۲ روز از جشنواره بنده هنوز نمی‌دانم که آثارم به جشنواره راه پیدا کرده است یا خیر.

چرا «خاطرات نارنجی»

«خاطرات نارنجی» سومین قسمت از سه گانه‌ای است که با موضوع استفاده آمریکا و اسرائیل از سلاح‌های نامتعارف در جنگ به تصویر در آمده، که نخستین قسمت از این سه گانه در لبنان و با موضوع استفاده اسرائیل از بمب‌های خوشه‌ای در این کشور و دومین قسمت از آن به استفاده آمریکا و اسرائیل از بمب‌های اورانیوم ضعیف شده در عراق و لبنان می‌پردازد. در جنگ ویتنام و ماجرای استفاده آمریکا از تسلیحات شیمیایی علاوه بر مردم و سربازان ویتنامی تعداد بسیاری از نیروهای آمریکایی به واسطه حضور در آن منطقه و عدم آگاهی نسبت به خطرات این مواد خود و فرزندان که از ژن آن‌ها متولد شده‌اند معلول به دنیا می‌آیند، همچنین مردم ویتنام با وجود گذشت بیش از ۴۰ سال از این جنگ همچنان از تبعات ناشی از این مواد رنج می‌برند.

در مرحله تحقیق و پژوهش مستند «خاطرات نارنجی» فرزندان از سربازان آمریکایی را پیدا کردیم که دچار معلولیت‌های ناشی از این مواد شده بودند و پس از جلب اعتماد، آن‌ها را در ساخت مستند با خود همراه کردیم و قصه



حمید شعبانی از «من و مرتضی» می‌گوید

واقعیت مدافعان حرم در برابر ناشایست‌ها

حمید شعبانی صمغ آبادی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگ و رسانه که مستند «من و مرتضی» را کارگردانی کرده است طی گفتگویی از نحوه ورود خود به عرصه هنری گفت: فعالیت هنری‌ام را از سال ۸۴ به صورت جدی آغاز کردم و تاکنون بالغ بر ۴۰ مستند را کارگردانی کرده‌ام که مستند «من و مرتضی»، «هورامان ابرها می‌بارند»، «روایت دیدار»، «ابوسجاد»، «آواز گنجشک‌ها» و «حرم تا حرم» را به هفتمین دوره جشنواره عمار ارسال کرده‌ام.

شدم و در آن شرکت کردم. بیشتر کارکرد جشنواره عمار باید استعدادیابی باشد و به طور کلی عمار باید به کسانی که کار اولشان است و تازه وارد این عرصه شده‌اند بیشتر توجه کند و محتوی کارشان را نسبت به تکنیک ارجح بداند ولی به نظر من اینگونه نبوده است. شاید اطلاعات من کم باشد ولی آنچه من دیدم این است که خودش مستند می‌سازد و به خودش جایزه می‌دهد که این اصلا کار خوبی نیست و آنها می‌توانند با این فیلم در جشنواره‌های دیگر شرکت کنند و جایزه بگیرند.

جشنواره عمار باید به جوان‌هایی که در روستای خود با یک موبایل فیلم ساخته‌اند جایزه بدهند تا باعث پیشرفت و شکوفا شدن استعدادهایش بشود نه اینکه فقط به یک فیلم ساز حزب الهی خوب هر سال جایزه بدهد.

توانایی عمار در عرصه سینما: یاد دادن تکنیک سینما به کسی که دغدغه انقلاب دارد خیلی راحت تر و بهتر است از اینکه به کسی که دغدغه انقلاب ندارد در قبال کار سینمایی پول بدهیم که اگر در جشنواره عمار رویکرد اول پیش گرفته بشود قاعدتاً می‌تواند وزنه بچه حزب الهی‌ها را در سینما قوی‌تر کند. کار خوب جشنواره عمار این است که جدیداً می‌خواهد سوژه هایمان را معرفی کنیم تا به عنوان یک لیدر که منابع و مآخذ خوبی در دست دارد، ایده‌ها را بین فیلم سازان خود تقسیم کند.

الآن در بعضی استان‌ها صورت گرفته و در آینده‌ای نزدیک قرار است در سطح کشور انجام شود. **مجموعه مستند «دیدار»:** این مجموعه در سه فصل با عناوین «ابوسجاد»، «آواز گنجشک‌ها» و «حرم تا حرم» ساخته شده است؛ مستند «دیدار» روایتی از جلسه خانواده‌های شهیدان مدافع حرم با رهبر انقلاب است که در آن به خانواده شهید «هادی کجیاف»، خانواده شهید «حاج حسین بادپا» و خانواده شهید «محمد مهدی مالمیری کجوری» پرداخته‌ایم. زمان کلید خوردن این مستند تا ساخت آن

به طور کلی عمار باید به کسانی که کار اولشان است و تازه وارد این عرصه شده‌اند بیشتر توجه کند و محتوی کارشان را نسبت به تکنیک ارجح بداند ولی به نظر من اینگونه نبوده است.

در حدود ۳۰ روز طول کشید که حاصل فشرده شدن کار و زحمت شبانه روزی گروه ساخت این مستند بود.

جشنواره عمار: بنده تا الآن در جشنواره‌های مختلفی حضور پیدا کرده‌ام که به دلیل استقبال نکردن از کارهایم دیگر رقبتی برای شرکت در جشنواره نداشتم تا اینکه دو سال گذشته با جشنواره عمار و ظرفیت‌های آشنا

موضوع مستند «من و مرتضی»: این مستند داستان یکی از شهدای افغانستانی لشکر فاطمیان است که از زبان همسر شهید با گویش افغانستانی روایت شده است.

هدف از ساخت مستند «من و مرتضی»: مسئله مدافعان حرم موضوع روز است ولی بر خلاف تبلیغات زیاد رسانه‌ای، حرف‌هایی درباره آنها زده می‌شود که شایسته نیست و بنده با ساخت این مستند قصد نشان دادن واقعیات زندگی آنها را داشتم.

کار فیلم سازی کار سختی است و کار مستند به دلیل مکاشفه‌هایی که در آن وجود دارد سخت‌تر است و همه عوامل و اتفاقات پیش رو در ساخت مستند قابل کنترل نیست.

موضوع مستند «هورامان ابرها می‌بارند»: خدمتی در ایران در حال انجام است به اسم «تله مدیسن» که به واسطه آن مردم در دور افتاده‌ترین نقاط کشور می‌توانند به خدمات تخصصی پزشکی دسترسی داشته باشند.

«هورامان ابرها می‌بارند» در نقطه صفر مرزی ایران و عراق و در قالب مستند داستانی تهیه شده است که سعی دارد این خدمت و امکانات فراهم شده برای مردم را توصیف کند.

سختی‌های تولید مستند «هورامان ابرها می‌بارند»: تصویربرداری این مستند در منطقه صعب العبوری به نام «اورامانات» انجام شد که در بین کرمانشاه، پاوه و عراق قرار دارد و به علت برقگیر بودن رفت و آمد در آن بسیار سخت است.

هدف ساخت این مستند معرفی خدمت بزرگ «تله مدیسن» در جهت رفع محرومیت بود که

عمار، سینما را به محافل خانوادگی آورد

احسان مرادی معلم عشایر است. کارشناسی ارشد خود را در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه شیراز، به پایان رسانده. خانواده اش ساکن چرام بوده و روستایی که در آن تدریس می کند، ۴۲۰ کیلومتر با این شهر فاصله دارد. جشنواره عمار بهانه ای بود تا او در یادداشتی ما را با بسیاری از ویژگی های منطقه و دشواری های سکونت در آن جا آشنا کند. آقای مرادی در کنار علم آموزی به شاگردانش، برایشان فیلم هم پخش می کند.

زندگی در میان عشایر

ما معلم عشایریم و مدرسه مان در منطقه عشایری زیلاهی مارگون قرار دارد؛ منطقه ای که دومیست از شهرستان چرام برای رفتن آن جا وجود دارد که معمولا در زمستان یک مسیر بسته می شود ما مجبوریم از مسیر لردگان چهار محال بختیاری به آن جا برویم و هر هفته ۸۴۰ کیلومتر را جهت رفت و آمد به منطقه طی می کنیم. معمولا دوشنبه ها از چرام می رویم سمت ایل و جمعه ها برمی گردیم پیش خانواده تا یکی دو روزی خانه باشیم.

تعریف عشایر این منطقه از «کوچ» با تعریف مرسوم متفاوت است؛ مدارس عشایری لزوما بسیار نیستند و مردم این منطقه کوچ به معنای مرسومش را انجام نمی دهند. البته تعدادی از خانواده ها کوچ می کنند ولی تعدادی هم ساکن منطقه اند. مدرسه هم جابه جا نمی شود. بچه ها کوچ نمی کنند؛ یا در خانه های خود تنها هستند یا در کنار اقوام نزدیک شان زندگی می کنند.

این منطقه بسیار برف گیر است و همیشه مشکلاتی برای رفت و آمد وجود دارد؛ حتی بچه های روستاهای اطراف نیز برای درس خواندن به این روستا می آیند. بعضی از بچه ها، هشت کیلومتر و برخی حتی ده یا پانزده کیلومتر راه را برای آمدن به مدرسه طی می کنند. جاده کوهستانی است و تردد ماشین در آن جا، کم. بعضی ها حداقل دوسه ساعت راه می آیند تا به مدرسه برسند.

علمک در دل عشایر

جدیداً مدرسه بسیار خوبی تأسیس شده که امکاناتی هوشمند همانند ویدئوپروژکتور و... دارد. ما هم از این ظرفیت استفاده کرده و سعی می کنیم بعد از نمازظهر و عصر، فیلم اکران کنیم. سلیقه بچه ها بیشتر سمت فیلم های طنز و انیمیشن است. فیلم اگر مقداری معناگرا شود بچه ها خسته می شوند؛ چون ذهن هایشان عادت نکرده. تاکنون فیلم های قابل ملاحظه، علمک و سربازان بین الملل را پخش کرده ام؛ همین طور فیلم های «هنوز زمین می چرخد» و «بی خوابی» را و یکی دو تا اکران هم در خود روستا داشتیم.

اولین بار تبلیغات جشنواره عمار را از تلویزیون دیدیم و چون با یکی از دوستان جشنواره ارتباط داشتیم، فهمیدیم که جشنواره آن چیزی است که دنبالش بودیم. عمار ضعف مجموعه های مذهبی در زمینه هنر برای تبلیغ انقلاب را پر می کند و خیلی زیباتر پیام انقلاب را انتقال می دهد. آن گوشه های مغفول مانده فرهنگ مردم را که خیلی طرفدار دارد؛ اما رسانه ای برای انتشار ندارد را پوشش می دهد؛ مثل مدافعین حرم یا شهدای غواص. بسیاری از فیلم سازان، گوشه هایی از مسایل جامعه را ضریب می دهند که یا وجود خارجی ندارد و یا مساله مطرحی برای بسیاری از مردم نیست... نمونه این طرز کار را هر روز در سینما ها می بینید. فروش خوبی هم بعضا دارند. اما آیا رسالت هنر این است؟... در حالی که مسئله خیلی بزرگتری مثل شهدای مدافع حرم همین طور مغفول می ماند. این چیزی است که مردم درگیرش هستند و روی زمین مانده و کسی هم در مورد آن کار نمی کند؛ اما در عمار به آن توجه می شود. برخی از فیلم سازان کسر شأن خودشان می دانند در جشنواره ای شرکت کنند که یکی از هدایای دستکش های بافتنی ننه عصمت است. این نگاه متفاوت و درست عمار نسبت به هنر است که ثابت می کند بسیاری از ظرفیت های جامعه اسلامی را هنوز نشناخته ایم.

فیلم های عمار ابزار خوبی است برای انتقال مفاهیم انقلابی به بچه ها؛ همین طور فرصت خوبی است تا برای دیدن فیلم ها، مجبور نباشیم که فقط به سینما برویم. این امکان ایجاد شده تا سینماهای پنج شش نفره در خانه ها برپا شود و این ظرفیت زیادی برای شهرهای کوچکتری مثل شهر ماسست که سینما ندارند و ارتباطشان با فیلم، اکثرا با تلویزیون و رسانه ملی است. جشنواره عمار زمینه ای ایجاد کرده تا اکران های خانگی داشته باشیم و در محافل خانوادگی ارتباطاتمان حفظ شود. در بسیاری از محفل ها کتاب و کتابخوانی را هم راه می اندازیم و مشکلات خانواده و محله را بررسی می کنیم.

۱- چرام، شهری در جنوب غربی ایران، در مرکز استان کهگیلویه و بویر احمد است. مردمش به زبان لری تکلم می کنند در سال ۱۳۹۰ دارای ۱۲،۶۳۴ نفر جمعیت بود. (به نقل از ویکی پدیا)

جشنواره عمار و جمهوری خواهی فرهنگی

حجت الاسلام مجتبی نامخواه

نظریه مردم سالاری دینی به مثابه محصول و آورده ای انقلاب اسلامی، فراتر از امر سیاسی در تمام شئون حیات اجتماعی قابل پیگیری است؛ با این حال این نظریه تا کنون اغلب در حوزه «سیاست» و «قدرت» تصویر شده است و ما هیچ ایده ای عملی و روشنی از طرح مردم سالاری دینی در ساحت فرهنگ، اجتماع و اقتصاد نداریم. بر این اساس «جمهوری خواهی فرهنگی» از اولویتهای «انقلابیگری فرهنگی» است.

با هر منظری به تجربه زیسته ای نظام جمهوری اسلامی در این دو- سه دهه اخیر نگاهی گذرا بیاندازیم، حوزه فرهنگ، اجتماع و اقتصاد نادریم. بر این اساس «جمهوری خواهی فرهنگی» از اولویتهای «انقلابیگری فرهنگی» است. با هر منظری به تجربه زیسته ای نظام جمهوری اسلامی در این دو- سه دهه اخیر نگاهی گذرا بیاندازیم، حوزه فرهنگ، اجتماع و اقتصاد نادریم. بر این اساس «جمهوری خواهی فرهنگی» از اولویتهای «انقلابیگری فرهنگی» است. با هر منظری به تجربه زیسته ای نظام جمهوری اسلامی در این دو- سه دهه اخیر نگاهی گذرا بیاندازیم، حوزه فرهنگ، اجتماع و اقتصاد نادریم. بر این اساس «جمهوری خواهی فرهنگی» از اولویتهای «انقلابیگری فرهنگی» است.

در برابر این دیدگاه اما دیدگاه دیگری مطرح است: «هر جایی که ناکامی هست، به خاطر این است که ما نتوانستیم حضور مردم را در آن عرصه تأمین کنیم.» دیدگاهی که ریشه ناکامی ها را به غیر مردمی بودن باز می گرداند: «هر جایی که مسئولین کشور توانایی های مردم را شناختند و به کار گرفتند، ما موفق شدیم. هر جایی که ناکامی هست، به خاطر این است که ما نتوانستیم حضور مردم را در آن عرصه تأمین کنیم. ما مسائل حل نشده کم نداریم. ... اینجاست که مسئولین باید زمینه ها را، مدل ها را، فرمول های عملی و قابل فهم عموم را، فرمولهای اعتمادبخش را برای مشارکت مردم فراهم کنند.»

بار دیگر به استدلال های دو طرف بازگردیم. نویسنده یادداشت اول یکی از مدیرانی است که در اغلب نهادها و شوراهای فرهنگی بخش اسلامیت (!) مسئولیت داشته و دارد؛ آن چه او نوشته بازتاب مشتقی نمونه، از خروارها دیدگاهی است که در سطح مدیریت ناکارآمد فرهنگی در طول چند دهه رایج بوده و هست. دیدگاه دوم اما استدلالی است که در بیانات رهبر انقلاب آمده است.

جشنواره عمار، اگر موفقیتی داشته به این دلیل بوده که توانسته در برابر اراده ای معطوف به اشرافیت ظاهرالصلاح در حوزه فرهنگ، «فرمول» هایی برای مشارکت مردم به دست بدهد. توانسته کاری کند که تعداد بیشتری از مردم در رسانه سینما روایت شوند و تعدد بیشتری هم این روایتها ببینند. اشرافیت فرهنگی ای که همواره در مصادر مدیریتی و شورایی عرصه فرهنگ حضور داشته است و برای پیش برد خواسته های ظاهرالصلاح خود حتی به قانون اساسی هم اعتنایی ندارد، یک واقعیت است. در برابر چنین اراده ای وجود یک جشنواره عمار، به مثابه یک جنبش جمهوری خواهی فرهنگی، یک نیاز مبرم است.



۱۷

یادداشت



اکران های عمار مسیر زندگی افراد را تغییر داد

۱۸- نظر خانواده: خانواده در این راه به من کمک می کردند و اگر کمکی از آنها می خواستم در انجام آن کوتاهی نمی کردند.

۱۹- واکنش های منفی درباره عمار تا حالا شنیده اید؟ ۲ سال پیش، در هنگام پخش فیلم لکه برخی از مدیران زمانی که اسم جشنواره را شنیدند محل جلسه را ترک کردند.

۲۰- اگر وقت بیشتر داشتید: قطعاً می توانستم کل استان قم را تحت پوشش اکران مردمی قرار دهم.

۲۱- برنامه ای برای گسترش اکران و ترغیب دیگران به اکران دارید؟ برنامه ریزی هایی در مورد چگونگی بهتر اکران شدن فیلم ها و جذب اکران کننده های جدید انجام دادیم و چند نفر در حال برنامه نویسی برای بهتر برگزار شدن برنامه ها هستند.

۲۲- آخرین بار برای کدام فیلم به سینما رفتید؟ بنده و خانواده ام اهل سینما رفتن هستیم و آخرین بار برای تماشای فیلم «ایستاده در غبار» به سینما رفتیم.

۲۳- مهمترین مکانی که باید در آن اکران صورت گیرد؟ بهترین و مهم ترین مکانی که می شود در آن اکران فیلم های جشنواره عمار را انجام داد، مصلی بزرگ شهر قم و حرم حضرت معصومه (س) است.

۲۴- جشنواره عمار بیشتر به کدام دسته از مخاطبان توجه کند: نسل جوان و نوجوان زیر ۲۰ سال.

۲۵- نقش خانم ها در اکران مردمی: ارتباط خانم ها با یکدیگر در تبلیغ و اطلاع رسانی برنامه های ما بسیار موثر است.

کردند تا فیلم ها را در روستاهای قم نمایش بدهند، و به یاد دارم مسیر زندگی چند نفر با دیدن فیلم های جشنواره عمار به کلی تغییر پیدا کرد و به انسان های انقلابی تبدیل شدند.

۱۱- چگونه تبلیغ می کردید و وسایل تبلیغی شما چه بوده است؟ چاپ پوسترهای فیلم و انتشار آن در مساجد و مراکز فرهنگی و هنری، همچنین پخش کارت های کوچکی از عکس فیلم ها و پخش در خانه ها.

۱۲- وسایل و تجهیزات اکران را از کجا می آوردید؟ رایزنی می کردیم البته در یکی از موارد با یک لیثاپ ساده در مسجدهای برنامه اکران داشتیم که فردی نیکوکار با فیلم ارتباط برقرار کرد و یک پروژکتور و پرده برای ما تهیه کرد و از ما خواست تا نوبت های اکران فیلم های خود را بیشتر و کیفیت آنها را نیز بالاتر ببریم.

۱۳- اکران را یک نفری انجام می دهید یا چند نفره؟ تیم ما برای انجام برنامه اکران مردمی ۳ نفر است و کارها و برنامه ها را با همکاری و کمک یکدیگر انجام می دهیم.

۱۴- در اکران ها با چه مشکلاتی روبرو بودید؟ مشکلات فضا و محل اکران و مسئله کمبود بودجه

۱۵- آیا در طول اکران هایتان از جیب خود نپز خرج کرده اید؟ بچه های گروه گاهی از جیب خرج می کنند، حتی در برخی موارد هزینه های رفت و آمد و خوراک را نیز بچه ها تامین می کردند.

۱۶- کدام یک از فیلم های عمار را در تلویزیون دیدید؟ انیمیشن های جشنواره.

۱۷- با رسانه ها ارتباط داشتید؟ تعاملاتی با صدا و سیما صورت گرفت، همچنین چند خبرگزاری در قم برای پوشش برنامه ها می آمدند.

۱- خودتان را معرفی کنید. سید محمود مجاهد ۲۱ ساله و دانشجو.

۲- چگونه با جشنواره عمار آشنا شدید؟ در جریان جشنواره دوم، توسط یکی از دوستان با این جشنواره آشنا شدم.

۳- چرا تصمیم به اکران گرفتید؟ اکران فیلم های عمار حرکتی جریان ساز است که می توان آن ها را با کمترین هزینه و بیشترین بازخورد اکران کرد.

۴- فیلم ها را از کجا و چه کسی می گرفتید؟ از طریق رابطی که دبیرخانه به ما معرفی می کرد.

۵- اولین اکرانتان چه بود؟ انیمیشن نبرد خلیج فارس.

۶- به لحاظ کمی در کجا بیشتر اکران کردید؟ بیشترین اکران فیلم ها در یک موسسه فرهنگی شهر قم و به دنبال آن در سطح مدارس و مساجد.

۷- در حاشیه اکران ها چه می کردید؟ برگزاری مسابقات مرتبط با موضوع فیلم و اهداء جوایز و در یکی از همایش های برگزار شده مسابقه ای برای بهترین جمله در مورد فیلم برگزار کردیم و در موسسه نیز به بهترین نقد در مورد فیلم ها جوایزی اهدا کردیم.

۸- مخاطبان اکران هایتان چه کسانی بودند؟ نوجوانان زیر ۲۰ سال

۹- به یادماندنی ترین جمله ای که در اکران ها از مخاطبان شنیده اید؟ جمله فردی بود که گفت «اگر فرض بگیریم جشنواره عمار هیچ کاری نکرده باشد همین که من را تغییر داده کاری مهمی انجام داده است.»

۱۰- خاطره ای از اکران؟ انجام اکران های مردمی آنقدر مفید و موثر بود که تعدادی اکران کننده از میان مخاطبان اعلام آمادگی



اکران در مسجد روستا

بلدان - چرام - کهگیلویه و بویراحمد



۱۰ دی ماه ۹۵



پذیرایی به صورت خودجوش توسط یکی از مخاطبان تهیه شد، طبق معمول فیلم در حق حق گریه مخاطبان به پایان آمد... بچه های فعال روستا آمادگی خود را جهت اکران فیلم ها اعلام کردند... می گفتند آخرین فیلمی که برای ما پخش شده حدود ۱۳ سال پیش بوده...

دايو / بی خوابی / علمک ۴۵ نفر بیننده

مسجد و حسینیه امام رضا (ع)

استان سمنان - شهر ایوانکی



۹ دی ماه ۹۵



داستانی دایو (اکران در همایش ۹ دی) ۱۵۰ نفر بیننده

اکران در یادواره شهدا

استان سمنان - شهر ایوانکی



۹ دی ماه ۹۵



نماهنگ برخیزید (اجرای گروه کر) ۲۵۰ نفر بیننده

اکران در کلاس قرآن

گچساران - کهگیلویه و بویراحمد



۶ دی ماه ۹۵



مستند «من مدیر جلسه ام» ۲۵ نفر بیننده

اکران در شناور

شناور بندرعباس - قشم



۱۰ دی ماه ۹۵



فیلم کوتاه «خدا همین نزدیکی ست» ۳۰ نفر بیننده

اکران در نماز جمعه

زهان - زیرکوه - خراسان جنوبی



۱۰ دی ماه ۹۵



اکران فیلم های جشنواره هفتم عمار به مناسبت ۹ دی در نماز جمعه بخش زهان صورت گرفت که با استقبال خوبی روبه رو گردید در ضمن امام جمعه محترم درباره فیلم لکه و موضوع فتنه ۸۸ سخنرانی فرمودند.

داستانی لکه / مستند من مدیر جلسه ام ۸۰ نفر بیننده



«روایت ریحانه»

از دل نرفته ای که تنها کم تو را

سال ها قبل وقتی بر شیپور جنگ دمیده شد، شناختن مرد از نامرد کار چندان سختی نبود. شهید محمدرضا کاظمی زاده یکی از مردان مردی بود که در جبهه های حق علیه باطل، حضور پیدا کرد و بر اثر حمله شیمیایی دشمن بعضی، به شهادت رسید. «روایت ریحانه» مستندی خانوادگی با محوریت این شهید بزرگوار است. در این مستند، ریحانه در پی شناختن بیشتر عموی شهیدش، محمدرضا کاظمی زاده، معاون لشکر ۴۱ ثارالله کرمان است. «روایت ریحانه» از داستانی صمیمی برخوردار است، چون کارگردان خانواده خود را جلوی دوربین نشانده و کاراکتر اصلی، دخترش ریحانه می باشد. در این کشف و شهود و مرور خاطرات، ریحانه به عظمت روح عموی شهیدش پی می برد. شهیدی که پس از سال ها هنوز در ذهن خانواده و دوستانش ماندگار است. «روایت ریحانه» به کارگردانی روح الله کاظمی زاده برادر شهید و در خانه مستند انقلاب تهیه شده است.

«طلایه داران وحدت»

از تاباد به طلایه

در دورانی که کشورهای منطقه در آتش فرقه گرایی و اختلافات مذهبی می سوزند، وحدت بین شیعه و سنی در ایران مثل خاری در چشمان دشمنان قرار دارد. وحدتی که جز به برکت خون شهدا حاصل نمی شد. «طلایه داران وحدت» روایتی از اولین سفر علمای اهل سنت تاباد، به مناطق راهیان نور می باشد. راهیان نور بستری مناسب برای وحدت بین شیعه و سنی شده، وحدتی که بهترین پاسخ به فتنه های مذهبی سعودی صهیونیستی است.

میثم شجاعی علاوه بر کارگردانی، گویندگی متن فیلم را نیز بر عهده دارد. گفتاری که در برخی مواقع به لحن گویندگی شهید آوینی بسیار نزدیک شده است.



«مجنون»

اسارت در سرزمین مادری

در زمان جنگ تحمیلی و به علت فشار رژیم بعث عراق بر شیعیان، بسیاری از شیعیان عراق به ایران آمدند و در جبهه های جنگ حق علیه باطل به یاری رزمندگان ایرانی شتافتند و حتی به اسارت درآمدند.

سید رسول موسوی از این مجاهدین عراقی است که در کنار رزمندگان ایرانی، به مبارزه علیه صدام پرداخته و در مرحله شناسایی عملیات خیبر به اسارت عراقی ها درآمد ولی برای این که شناسایی نشود؛ چندین سال سکوت می کند. چون هر مجاهدی که لو می رفت، نه تنها خودش بلکه خانواده اش هم سر به نیست می شدند. او در زندان موصل، با اسیری ایرانی به نام علی احمدی آشنا می شود.

این دو اسیر و رزمنده ایرانی و عراقی، بعد از سال ها یکدیگر را در عراق ملاقات می کنند. فیلم با پیاده روی این دو آزاده در اربعین تمام می شود. تلمیح ظریفی بر این که نقطه پیوند انسان ها با ملیت های مختلف، حب الحسین است. کارگردان این اثر سید مصطفی سید الحسینی می باشد.



«قربانگاه»

شاهدان عینی یک جنایت

هنوز یک سال بیشتر از فاجعه منا نمی گذرد. فاجعه ای که سندی بر بی کفایتی آل سعود در خادمی حرمین شریف است. «قربانگاه» روایتی از زبان خانواده شهدا و بازماندگان قوم ترکمن این حادثه می باشد. گفتوگو با شاهدان عینی فاجعه منا به همراه پخش تصاویر و عکس هایی که از صحنه های فاجعه به وسیله تلفن همراه ضبط شده است؛ بخش های دیگری از این مستند می باشد.

حمیدرضا مجیدی کارگردان این مستند گفت: «در این مستند ۲۰ دقیقه ای به سراغ ترکمن هایی که عزیزان خود را در فاجعه منا از دست داده اند رفته ام و صحبت های آن ها را به تصویر کشیده ام.»

«خاک تشنه»

از ترکمن صحرا با عشق

زمانی که دشمن به خاک کشوری حمله می‌کند، تمام اقلیت‌ها و مذاهب برای دفاع از وطن متحد می‌شوند. «خاک تشنه» برش‌هایی از زندگی «بوبرک اونق» یکی از روحانیون ترکمن است که با شروع جنگ، درس طلبگی را رها کرده و در راه دفاع از وطن به شهادت می‌رسد. محمدعلی شعبانی کارگردان این اثر گفت: «بوبرک اونق، یادداشت‌ها و دست‌نوشته‌هایی داشت و من با برداشتی از این واقعیت و شاعرانگی، متن نریشن را نوشتم.» در یکی از این متن‌گفتارها و از زبان شهید می‌شنویم: «خرمشهر و ترکمن صحرا برایم فرقی نداشت. رفتم تا بگویم که قلب اهل تسنن هم برای ایران می‌تپد.»



«لحظه‌های انتظار»

که ایزد در بیابانت دهد باز!

عفو و بخشش، پاداشی جز نیکی ندارد و مگر نه این است که گفته‌اند در عفو لذتی است که در انتقام نیست؟ فیلم داستانی «لحظه دیدار» به ترویج مفهوم عفو و گذشت می‌پردازد. قصه این فیلم مربوط به مادری است که دختر باردارش در حال مرگ بوده و او با این مسئله، دست و پنجه نرم می‌کند. هیچ پزشکی نمی‌تواند جان مادر و فرزندانش را نجات دهد. مادر به سراغ زن پزشکی می‌رود و از او می‌خواهد که دخترش را عمل کند. پزشک هم قبول کرده و جان مادر و نوزاد را نجات می‌دهد. و این پزشک، همان دانشجوی تازه‌کاریست که سال‌ها قبل، به علت بی‌تجربگی باعث مرگ نوزاد این مادر می‌شود ولی مادر او را بخشیده و موجبات آزادی از زندان را فراهم می‌کند. سیده صدیقه میرغفاری کارگردان «لحظه دیدار» از بازیگرانی استفاده کرده که کمتر دیده شده‌اند و این یکی از نقاط قوت فیلم به حساب می‌آید. شایان ذکر است که تهیه‌کنندگی این اثر بر عهده مرحوم فرج‌الله سلحشور بوده است.

«با مرگ، زندگی»

گزارشی از مقاومت جانانه مردم نبل و الزهرا

در جنگ سوریه، دو شهرک نبل و الزهرا بیش از چهار سال در محاصره نیروهای تکفیری بودند اما به خاطر مقاومت مردم، در نهایت این محاصره با مجاهدت فراوان نیروهای مقاومت شکسته شد. این مستند روایت روزهای آزادی دو شهرک استراتژیک نبل و الزهرا و دیدار مجدد مادران و فرزندان و همسرانی است که پس از چهار سال یکدیگر را ملاقات می‌کنند. در این مستند می‌توان تصویری از مشقت‌های زندگی مردم در دوران جنگ و مجاهدت نیروهای مدافع حرم را از نظر گذراند. مستند «با مرگ زندگی» در خانه مستند انقلاب اسلامی تهیه و به کارگردانی وحید فراهانی تولید شده است.



«زمرد صحرا»

زندگی زیر درختان زیتون

اگر انسان همت داشته باشد، خداوند به زمین بایر هم برکت می‌دهد. انسانی که پشتکار دارد، از صحرا هم می‌تواند به زمرد برسد. مستند «زمرد صحرا» داستان شخصی به نام جان محمد دوجی از کشاورزان مراوه تپه است که سال‌ها پیش به صورت آزمایشی چند اصله زیتون را در زمینی بایر کاشته و با مشاهده‌ی محصول با کیفیت، اقدام به افزایش سطح زیر کشت زیتون می‌نماید. سایر کشاورزان منطقه نیز با الگو گرفتن از کار او، اقدام به کاشت زیتون می‌کنند، تا جایی که هم‌اکنون حدود ۷۰۰ هکتار از اراضی شهرستان مراوه تپه به کاشت زیتون اختصاص یافته است. مهدی رئیسی کارگردان «زمرد صحرا» گفت: «این مستند در راستای تحقق فرامین مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی و تشویق کشاورزان به کشت باغات، تولید شده است.»

عکس‌خند محمد کوره‌پز



جوجه هامون بی تربیت بشن، کی جواب میده؟!

ناصر جوادی

هزاران مرغ مادر، امروز با تجمع در مقابل یکی از فروشگاه‌های بزرگ شهر مخالفت، اعتراض، نگرانی و قد‌های خود را نسبت به عرضه فیلم‌های «شونه تخم مرغی» در جوار شانه‌های حاوی فرزندان دل‌بند آینده‌شان اعلام کردند، و حتی نسبت به نامگذاری مذکور نیز واکنش نشان دادند و آن را اقدامی در راستای ضربه زدن به بازار مرغ و تخم دانستند.

یکی از مرغ‌های حاضر در این تجمع در گفتگو با خبرنگار ما اظهار داشت: این چه وضعه فیلم‌های خیانت‌طور و پر اصطلاحات «+عمر مرغ» رو میدارن کنار شونه‌های ما؟ بابا تو این شونه‌ها خانواده نشستته! همین پارسال دوماه شب و روز زحمت کشیدیم چهل تا تخم گذاشتیم، فیلم «پنجاه کیلو چلغوز» رو گذاشتن کنار شونه‌ی جیگر گوشه‌هام، همه شون ناخلف و هورمونی از آب در اومدن!

راهنمای ساخت فیلم های جشنواره پسند

امیر حسن محمدپور

در ادامه ی راهنمای ساخت فیلمهایی که مثل تراکتور جوایز را درو کنند، می رسیم به:

لایه بندی داشته باشد: لایه بندی در فیلم سازی مثل لایه بندی توپ گل کوچک است. هرچه لایه ها بیشتر باشند، فیلم سنگین تر و وزین تر می شود و ضمن بالا رفتن ارزشش، راحت تر وارد دروازه می شود و جایزه می گیرد. درباب لایه بندی سخن فراوان است، اما من باب اجمال؛ فیلم باید هفت لایه داشته باشد (به نیت هنر هفتم) که لایه اول اعتراض فیلمساز است، لایه دوم تا چهارم نمایی از جامعه خشن و سرد و بی روح، لایه های پنجم و ششم حسرت های فیلمساز و سایر عوامل نسبت به امکانات رفاهی سایر کشورها (وهمینطور نسبت به ۴۰-۵۰ سال قبل کشور خودمان!) و لایه هفتم، همان داستان است که خیلی در روند جایزه بگیری فیلم تأثیری ندارد.

داور نفهم باشد: فوت آخر تراکتور سازی، یا همان فیلم سازی جایزه گرایانه، این است که علاوه بر همه نفهم بودن، فیلم باید داور نفهم هم باشد. یعنی داور نفهمد فیلم اصلاً در مورد چه بوده و این وانست از کجا آمده و زن این، خانه آن یکی چه می کند و... در چنین مواقعی، داورها برای حفظ آبرو هم که شده به فیلم یک جایزه ای می دهند تا به همه ثابت کنند که چقدر می فهمند!

یوگی و دوستان بر روی فرش قرمز

حورا فطورچیان

+ جمعش کن آقا، جمعش کن... این چیه داری پهن میکنی؟!
- فرش قرمز! من فرش انداز جشنواره ها هستم، مگه اینجا جشنواره نداریم؟!
+ داریم داداشم، درست اومدی، اما این پهن کردن فرش قرمز دیگه چه صیغه ای؟!
- آگه جشنواره دارید، پس باید یه فرش قرمزی پهن باشه که بازیگرا و عوامل با تیپ های خفن جدید از روش رد بشن و برای دوربین ژست بگیرن، برو نون مارو آجر نکن.
+ داداش داری اشتباه میزنی! جلوی درب رو نخوندی مثل اینکه، اینجا از اون جشنواره هاش نیست... اینجا که جای رژه با لباس پلنگ صورتی یا یوگی و دوستان نیست!
- آخ آخ گفتم، حتی با لباس زورو هم رو فرش ها اومدن، اما پس اینجا ملت از رو چی رد میشن و میان داخل؟!
+ پرچم آمریکا و اسرائیل که هست، البته یه پل هم ساختیم واسه آقای زیباکلام که بتونه در کنار مردم باشه...
- نمیشه که حاجی، باز زدید اون کانال ها... بین جشنواره ی فجر چقدر موفق عمل میکنه، میدونی چقدر نون همون حاشیه و ژست های فرش قرمز رو میخوره؟!
+ چی بگم والا... این جشنواره ی فجر انقلاب اسلامی شده حکایت همون کلاغی که میخواست از راه رفتن کبک تقلید کنه و راه رفتن خودش هم فراموش کرد...

تحریریه : سجاد اسلامیان ، ابوالفضل رضایی ، مجید مالکی ، مجتبی مالکی ، محمدرضا پورصفار ، محمود شم آبادی ، محمدرضا طالبی آهویی ، روزبه قمصری ، نوید نوروزی ، مدیر هنری : حسین شهریاری

فرشته‌ها همنوز در راه‌مند...

کارگردان:

سید حبیب‌خیم‌الحسین

نویسنده، تدوین:

سید محمد خیم‌الحسین

مدیر تصویربرداری:

روح‌اله جوانی

نویسنده:

محمدی نعمت‌الحق

مدیر تولید:

عباس پیرمردانی

مجموعه طرح کرده فرهنگ هنری رهوا

تعمیر شده در خانه مسند انقلاب اسلامی

